

# بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

فوریه 2016 - اسفند 1394

شماره 55

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

<http://nahadha.blogspot.com/>

[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران برگزار می‌کنند:

از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

## به کمپین آزادی کارگران زندانی، کارگران اعتصابی و دستگیر شده خاتون آباد پیوندیم!

Paltalk

یکشنبه 28 فوریه 2016

ساعت 20.00 بوقت اروپای مرکزی

9 اسفند 1394 ساعت 22.30 بوقت ایران

# بیانیه تشکل های کارگری در رابطه با دستمزد 95 سال

کارگران ایران در سال 94 مانند سالیان گذشته زندگی سخت و پر مشقتی را همراه با فقر و فلاکتی جانکاه تجربه کردند. سالی که بر خلاف وعده های سرمایه داران و دولت "تدبیر و امید"، مبنی بر بهبود وضعیت معیشتی کارگران و افزایش قدرت خرید آنان، سال مواجهه کارگران با کاهش شدید قدرت خرید، افزایش هرچه بیش تر فاصله حداقل دستمزد با خط فقر، آزاد سازی گسترده قیمت ها و تحمیل مالیات بر ارزش افزوده ی 9 درصدی بر کالاها و هزاران درد و مصیبت ناشی از پایین نگه داشتن دستمزدها بود.

این دولت نیز که مانند دولت های گذشته وظیفه ای جز دفاع از منافع سرمایه داران در همه ی اشکال و صور آن نداشته است تا به امروز غیر از دست اندازی هرچه بیش تر به سطح معیشت کارگران و ایراد توجیحات و بهانه هایی چون "تحریم" و وجود "بحران های حاد اقتصادی"، چیز دیگری برای عرضه به کارگران در چنته ندارد. اگر چه این گونه توجیحات و بهانه ها هیچ گاه برای ما کارگران پذیرفتنی نبوده و از اساس فاقد ارزش و اعتبار است.

اخراج و بیکار سازی گسترده کارگران و وضعیت نامناسب و اسف بار بیمه های تأمین اجتماعی آنان؛ تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضای کار به طیف گسترده ای از کارگران که بر اساس آخرین آمار رسمی حدود 93 درصد آنان را شامل می شود و گسترش بیش از پیش شرکت های واسطه ای و پیمانکاری، خود از نمونه های دیگر این ستم و استثمار طبقاتی است.

واقعیت این است که ما کارگران دیگر نمی توانیم چنین وضعیتی را تحمل کنیم و نمی توانیم بپذیریم که صاحبان سرمایه با پایین نگه داشتن سطح عمومی دستمزدها و تحمیل انواع ستم و بی حقوقی، طبقه کارگر را بیش از پیش به سوی خانه خرابی و دربه دری سوق داده، از هستی ساقط نمایند.

اما حالا که تحریم ها برداشته شده و دیگر امکان توسل به بهانه ی آن از بین رفته، مقامات دولتی چه خود به طور مستقیم و چه با فعال کردن عوامل دست نشانده در نهادهای ضدکارگری (خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و...) باز هم در تقلای کسب

فرجه برای عدم پاسخگویی از طریق طرح توجیهات و بهانه های جدید هستند. حمایت از کارفرمایان و بسترسازی امن برای جلب سرمایه گذاران داخلی و خارجی برای خروج اقتصاد از بحران در دوره لغو تحریم ها یا انداختن تقصیر وجود فاصله بین حداقل دستمزد باخط فقر به گردن دولت های پیشین، از دلایل و توجیهات امسال برای پایین نگه داشتن دستمزدها هستند. بنا بر این ما تشکل های مستقل در جنبش کارگری ایران، اعم از سندیکاها و اتحادیه ها وسایر تشکل های کارگری، برای افزایش دستمزد اعلام می داریم که:

میزان دستمزد با اجرای بند 2 ماده ی 41 قانون کار، باید متناسب با یک زندگی انسانی، مطابق با استانداردهای مدرن و متعارف و بالای خط فقر (3.500.000 تومان) تعیین شود و فارغ از هر وضعیتی که اقتصاد سرمایه داری، خارج از اراده کارگران به آن دچار گشته و در آن دست و پا می زند، محقق گردد.

ما کارگران همچنین حق خود می دانیم که در صورت تأمین نشدن چنین خواستی، هر اقدامی را که برای پیش برد این امر خطیر مناسب تشخیص می دهیم، در دستور کار گذاشته و برای آن تلاش و مبارزه نمائیم.

جمعه 16 بهمن 1394

تشکلهای به ترتیب حروف الفبا

اتحادیه آزاد کارگران ایران

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

سندیکای نقاشان استان البرز

کانون مدافعان حقوق کارگر

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

# در اعتراض به دستگیری کارگران مس خاتون آباد به حمایت از آنها بر خیزیم!

## با ورود مبارزه و مقاومت کارگران خاتون آباد و خانواده هایشان!

۲۸ کارگر معترض مس خاتون آباد از روز سه شنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۱۶ در بازداشت به سر می برند. و اقدامی هنوز در رابطه با آزادی آنها از طرف مقامات مسئول انجام نگرفته است و خانواده های آنها همچنان پیگیر وضعیت آنها هستند.

کارگران قراردادی که در زمان احداث پالایشگاه در این مجموعه فعالیت داشتند روز سه شنبه در مقابل درب ورودی مجتمع مس خاتون آباد اعتصاب کرده اند و راه را بر کارگران و پرسنل این مجموعه بسته اند.

نیروهای تامین شهرستان با یورش شبانه به کارگران معترض آنها را بازداشت نمودند. خانواده های آنان در اعتراض به این حرکت ضد کارگری روز چهارشنبه در مقابل درب ورودی مجتمع مس تحصن کرده و عملاً کوره زوب را تعطیل کردند.

در واقع تعرض به کارگران از اینجا شروع میشود که پیمانکارانی تعدادی از کارگران را با قید قرار دادها و زمان های معین و مشخص برای انجام پروژه هایی بکار میگذارند با خاتمه این پروژه ها، قرار داد کاری هم با کارگران نیز به اتمام میرسد و اقدام به بیکار نمودن آنها می نمایند.

در ادامه این حرکت، مسئول روابط عمومی مس اذعان کرد: این اجتماعات در پی برگزاری آزمون استخدامی از بین کارگرانی است که در زمان احداث پروژه پالایشگاه با پیمانکاران وقت همکاری داشته اند، لذا افرادی که در این آزمون نمرات قبولی را کسب نکرده اند متحصن شده اند. تجمعات و اعتراضات از سوی کارگرانی که در آزمون حد نصاب نمرات را کسب نکرده اند همراه با خانواده هایشان بمدت سه هفته است که ادامه دارد.

صاحبان این معادن همراه پیمانکاران برای اینکه حکم اخراج این کارگران را قانونی تلقی نمایند. آزمونی برپا نموده و از کل شرکت کنندگان ۱۵۰ نفر مجدداً استخدام کرده و بقیه را اخراج می نمایند.

کارگران بیکار شده کارخانه نوب خاتون آباد علیه این حرکت تفرق افکنانه و ضد کارگری دست زده بودند که با حمله و یورش یگان ویژه سرکوبگر روبرو شدند و در این ۲۸ کارگر معترض دستگیر شدند. یورش به کارگران خاتون آباد و دستگیر نمودن آنها که به دفاع از منافع طبقاتی خود بپا خاسته اند، یکبار دیگر نشان از این دارد که این رژیم پاسخ ابتدایی ترین خواسته ها را با زندان و بیکار ساختن می دهد. همانطور که در سال ۱۳۸۲ رژیم سرمایه جمهوری اسلامی اعتراض کارگران خاتون آباد شهر بابک را با گلوله پاسخ داد و به از دست دادن جان چند کارگر و زخمی شدن تعداد دیگری ختم شد. این عمل جنایتکارانه نشانه اوج درماندگی و ضعف رژیمی است که در بحران عمیق و همه جانبه ای بسر میبرد و چاره ای جز انجام اینگونه اعمال ضد کارگری ندارد.

در چند سال اخیر در پرتو سیاستهای جدید جهانی سرمایه، در ایران نیز استثمار و بی حقوقی مطلق کارگران شدت بی سابقه ای بخود گرفته است. خصوصی سازیها، اخراج و بیکار سازی و قراردادهای سفید، کاهش دستمزد و بالا کشیدن حقوق معوقه، لغو ابتدایی ترین بیمه های اجتماعی کارگری، تحمیل قوانین ضد کارگری در باز گذاشتن دست کارفرماها، بیش از پیش زندگی کارگران را به ورطه نابودی کشانده است در چنین شرایطی دامنه اعتراضات کارگری در ایران ابعاد وسیعی به خود گرفته است.

برای مقابله با اعتراضات، برای جلوگیری از گسترش و ارتقاء و سراسری شدن مبارزات، رژیم اسلامی سرمایه یک راه بیشتر نمی شناسد و آن سرکوب علنی تجمع کارگران با استفاده از اوباشان چماقدار و مزدوران نظامی اش است که سرکوب و یورش به کارگران مس خاتون آباد دقیقا هم در این راستا معنی می یابد.

کارگران مس خاتون آباد در طی تمامی این سالها به مبارزه به شرایط سخت کاری خود، حداقل دستمزد چندین برابر زیر خط فقر، نداشتن امنیت شغلی و اخراج و بازداشت و شرایط سخت و آلودگی محیط کار ادامه داده اند.

روند بیکار سازی و عدم پرداخت دستمزدها نه تنها رو به بهبود نیست بلکه با بحرانی که رژیم را در بر گرفته هر روز شدیدتر میشود. بحران این رژیم فقط به حیطه سیاست بر نمیگردد، بلکه بحرانی همه جانبه و همزمان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. هر روزه جمعیت قابل توجهی از نیروی کار در آستانه اخراج قرار دارد و مشکل اشتغال به معضل بزرگ رژیم و توده های کارگر و زحمتکش تبدیل شده است.

اما کارگران مس خاتون آباد برای رسیدن به مطالبات خود، با مبارزات جدا از هم طبقه ایهای دیگر خود، نمی توانند سرمایه را به عقب نشینی جدی وادارند. هم اکنون کارگران معدن کار طزره و زمستان یورت در حال اعتصاب و تجمع هستند. این بخش از جنبش کارگری نیز ماهها و بلکه سالهاست که برای مطالباتی چون دستمزدهای معوقه و ... مبارزه می کنند. گرچه مبارزات کارگری سالهای اخیر نشان داده است که نه تنها هر گام پیشروی جنبش کارگری در جهت رسیدن به کسب مطالباتش در گرو ایجاد تشکلهای طبقاتی خویش است بلکه جلوگیری از زندانی نمودن آنها نیز به آن گره خورده است به عبارت دیگر میتوان با اطمینان گفت با ایجاد تشکل می توان به این نابربرها خاتمه داد.

افشای سرکوبگریها و جنایات رژیم علیه کارگران ایران و اعتراض و همصدایی برای آزادی کلیه کارگران زندانی از جمله کارگران بازداشت شده مس خاتون آباد، دفاع و پشتیبانی از اعتصاب و اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و دیگر اعتصابات و اعتراضات کارگری و نیز تلاش برای تقویت اتحاد و همبستگی میان کارگران و انعکاس اعمال ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی در سطح بین المللی باید هر چه بیشتر گسترش یابد.

## نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

۲ فوریه ۲۰۱۶

[nhkommitehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommitehamahangi@gmail.com)

## به یاد کارگران جانباخته خاتون آباد!

دوازده سال پیش، در چهارم بهمن 1382 بیش از 200 تن از کارگران خاتون آباد در اعتراض به اخراج سازی بخشی از کارگران معدن مس، در جلوی فرمانداری شهرک بابک گرد آمدند. آنان خواست بازگشت به کار اخراج شدگان را داشتند. خانواده های کارگران و بخشی از اهالی محل، با کارگران اظهار همدردی کرده و همراه کارگران معترض بودند. بنابر فرمان مسئولان انتظامی، نیروهای امنیتی و مزدوران حکومتی، کارگران را از زمین و هوا به گلوله بستند. در این روزدهها تن زخمی و چهار کارگر به نامهای مؤمنی، مهدوی، ریاحی و جاویدی و یک دانش آموز بنام پورامینی کشته شدند. یادشان گرامی باد.

این جنایت در زمان ریاست جمهوری خاتمی روی داد، همان کسی که علاوه بر جارجیان و کاسه لیسان حکومتی، عدهای فریبکار و عناصری فرصت طلب و متزلزل نیز، از روی کار آمدن وی به وجد آمدند و مردم را به همکاری با جمهوری اسلامی فرا خواندند. خاتمی همان کسی بود که در دوران ریاست جمهوری وی نه تنها کارگران خاتون آباد گلوله باران شدند بلکه ضرب و شتم، دستگیری و به خون کشیدن دانشجویان در دانشگاه و خانه های دانشجویی و همچنین قتل های زنجیره ای نیز سازماندهی شد و عملی گردید.

جمهوری سرمایه داری اسلامی، بنا بر ماهیت استبداد مذهبی و ضد کارگری در تمامی حیات خود، از آغاز تا کنون، حکومتی ضد آزادی، ضد رفاه اجتماعی، ضد مردمی، ضد دموکراسی و در یک کلام ضد انسانی بوده است و تا زمانیکه بر قدرت باشد، هرگونه امیدی به برقراری آزادی های اجتماعی و عدالت، بیهوده و نابخردانه است. هم اکنون اکثریت جمعیت کشور بخصوص کارگران و بیکاران در فقر زندگی میکنند. تعقیب، دستگیری، شکنجه و اعدام معترضان کارگری، معلمین و دگراندیشان در دستور روزانه رژیم اسلامی سرمایه است. دوران ریاست جمهوری روحانی که برخی از فریبکاران و عناصر متزلزل یا مشکوک، آنرا سرآغاز دورانی جدید و به قولی رفاه و توسعه نامیدند، همچون تمامی دوران حاکمیت رژیم اسلامی، سیاه و ضد انسانی است. سرکوب افزایش یافته، فقر فزونی گرفته، بیکاری گسترش داشته است و اعدام بمراتب بیشتر از چند دوره ی اخیر میباشد. اگر گلوله باران کارگران خاتون آباد در زمان خاتمی روی داد، اکنون روحانی نیز به مسابقه با خاتمی برخاسته است. مزدوران حکومتی در دوران ریاست جمهوری روحانی، بیکاران و متقاضیان کار در پالایشگاه گاز بید بلند را به

گلوله بستند و تنی چند از کارگران را زخمی کردند و یک کارگر بنام مرتضی فرج نیا را به قتل رسانیدند.

همانگونه که پس از به گلوله بستن کارگران خاتون آباد، اعتراضات و مبارزات طبقاتی کارگری و سایر اقدشار اجتماعی به خاموشی نگرائید، هم اکنون نیز پیگردها و دستگیریها، جلوگیری از افزایش و گسترش اعتراضات و مبارزات کارگران و سایر اقدشار اجتماعی نخواهند شد. کارگری که چندین ماه و در مواردی بیش از یکسال دستمزد نگرفته است، چاره‌ای جز اعتراض و مبارزه برای احقاق حقوق اولیه خود ندارد. کارگری که در فقر روزافزون بسر میبرد و هر ساعت خطر اخراج را احساس میکند، در عمل و در زندگی روزمره درمی یابد که در اعتراض و مبارزه، چیزی برای از دست دادن ندارد، چون همه‌ی امکانات یک زندگی انسانی از او گرفته شده است. پس برای اینکه زنجیرهای دست اش را پاره کند، چاره‌ای جز ادامه مبارزه ندارد. این نوع مبارزه، تا زمانیکه چنین سیستم ضد انسانی برپاست، پایان ندارد. پایان این مبارزه، آنزمان فرا خواهد رسید که استیلای سرمایه بر کارپایان گیرد و استیلای کار بر سرمایه حاکمیت یابد. چنین پایانی هنوز به معنای پایان مبارزه بین کار و سرمایه نخواهد بود بلکه تنها یک تغییر شکل مبارزه بر مبنای تغییر توازن قوا و حاکمیت است.

پایان این سیستم نا عادلانه و نابرابرانه در گرو پیوستگی جویبارهای انقلابی کارگری، کوچک و فراوان کنونی بهم، بصورت نه‌ری گسترده، پر عمق و خروشان مییاشد که سیل و ارقنافات سرمایه را بروبند و بنای اجتماعی - سیاسی - اقتصادی نوینی را جایگزین کنند تا آزادی، برابری، عدالت و رفاه اجتماعی برپا گردد.

هر چند مبارزات کارگران خاتون آباد از سوی فعالین کارگری و بسیاری از آزادیخواهان مورد پشتیبانی قرار گرفت، ولیکن به علت عدم وجود یک تشکل مستقل سراسری کارگری، نتوانست در آن زمان به نتیجه‌ی مطلوب برسد. این کمبود همچنان موجود است و ایجاد چنین تشکلی بعنوان یکی از مهمترین وظایف کنونی در دستور کار جنبش کارگری ایران قرار دارد. چاره‌ی رنجبران، وحدت و تشکیلات است.

## سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

### زنده باد سوسیالیسم

16 ژانویه 2016

## از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

# به یاد کارگران جانباخته خاتون آباد

جمعه 29 ژانویه 2016

### گزارشی در مورد معادن خاتون آباد

ایران با دارا بودن 37 میلیارد تن ذخایر قطعی معدنی یکی از غنی‌ترین کشورهای معدنی دنیاست به طوری که وجود معادنی چون مس سرچشمه و سنگ آهن چادرملو سبب شده تا ایران دو معدن از پرعیارترین و منحصر به فردترین معادن دنیا را به نام خود ثبت کند.

طبق گفته مدیر عامل شرکت ملی مس تعداد 18 پروژه توسعه‌ای در سطح کشور انتخاب و مقرر شد با سرمایه‌گذاری 2.2 میلیارد یورو و 4200 میلیارد تومان تا پایان سال 97 تولید مس به 400 هزار تن خواهد رسید. و همچنین 70 درصد سرمایه‌گذاری‌های مس در کرمان، 19 درصد در آذربایجان و 11 درصد در سایر نقاط انجام می‌شود که با اجرای پروژه‌ها ظرفیت تولید را به 2 برابر خواهند رساند.

در استان کرمان دو معدن خارج از محدوده از کارخانجات در قالب مزایده بخش خصوصی واگذار شد؛ به طوریکه 2300 میلیارد تومان روی کارخانجات سرمایه‌گذاری خواهد شد.

در حال حاضر دو پروژه در شرکت بابک مس ایرانیان توسط بخش خصوصی انجام شده است، یکی از این پروژه‌ها تولید کاتد مس با روش جدید است که احتیاج به کوره و ذوب نداشته و فاقد آلودگی محیط زیست است و به طور کامل کنترل شده است.

### کارخانه ذوب خاتون آباد: شریان حیاتی صنایع مس ایران

شرکت ملی صنایع مس ایران که از سال 1355 عهده دار کلیه فعالیتهای معادن مس کشور می‌باشد در راستای استفاده بهینه از منابع و معادن مس کشور و تبدیل ذخایر موجود به تولیدات اقتصادی، اقدام به احداث خط تولید مس آندی در منطقه خاتون آباد کرده است. کارخانه ذوب مس خاتون آباد با زیربنایی بیش از 60000 متر مربع در غرب استان کرمان و به فاصله 180 کیلومتری از شهر کرمان و 30 کیلومتری از شهرستان شهر بابک واقع شده است. مکان انتخاب شده با در نظر گرفتن امکانات دسترسی به منابع مواد اولیه، بازار مصرف داخلی و خارجی، راههای ارتباطی، پروژه‌های راه آهن و دسترسی به منابع انرژی مکان مناسبی است.

طرح ذوب مس خاتون آباد به منظور ذوب کنستانتره مس و تولید سالانه 80 هزار تن مس آندی برنامه ریزی شده است. هزینه‌های صرف شده در این طرح به میزان 1300 میلیارد ریال و 110 میلیون دلار می‌باشد. " در آینده این طرح قابل



توسعه تا 240 هزار تن مس آندی در سال است." شرکت NFC از کشور چین عهده دار طراحی و تامین کننده تجهیزات طرح نوب مس خاتون آباد بر اساس یک طرح اجرا شده در کشور چین بوده است.

در آینده ای نزدیک قرار است توسعه نوب خاتون آباد از مرز 80 هزار تن به 200 هزار تن در سال با سرمایه 350 میلیون دلار برسد. و همچنین احداث کارخانه اسید سولفوریک خاتون آباد با سرمایه 100 میلیون دلار راه اندازی شود.

در حال حاضر تعداد نسبتاً قابل توجهی از اهالی شهر در کارخانه ی مس سرچشمه، نوب مس خاتون آباد و مجتمع مس میدوک شاغل هستند. به تازگی معدن دیگری در شمال غربی شهر بابک کشف شده است که مراحل اکتشاف را طی می کند و پژوهش ها خبر از وجود ذخایر فراوان مس در این محدوده می دهند.

### فیروزه شهر بابک :

فیروزه جواهر سبزی است که در سالهای دور شناخته شده و یکی از قدیمی ترین سنگهای معدنی می باشد. معدن سنگ فیروزه تنها منحصر به چند کشور می باشد که بزرگترین و مرغوب ترین آن در ایران قرار دارد. سنگ فیروزه بهترین و منحصر به فردترین سنگ قیمتی است که از نظر اقتصادی از ارزش بالایی برخوردار است.

### سیلیس یکی دیگر از گنجهای پنهان شهر بابک است:

اکسید سیلیسیم یا سیلیس ترکیبی شیمیایی است که بصورت خالص و یا به صورت ترکیب در کانیهای سیلیکاته در مجموع 90 درصد پوسته جامد زمین را تشکیل می دهد. سیلیس شهر بابک از نوع بهترین در ایران بوده و قابلیت رقابت با نوع خارجی آن را دارد. این معدن با ظرفیت زیاد آماده سرمایه گذاری می باشد. از آنجا که استان کرمان دومین ذخایر مس جهان را به خود اختصاص داده، شرکت ملی صنایع مس نیز با راه اندازی کارخانه های تولید و فرآوری این فلز سرخ رنگ در مناطقی چون سرچشمه و خاتون آباد، اقدام به توسعه کرده است که از نظر اقتصادی حامل سود آوری بالایی است.

### شرایط وضعیت محیطی و زیستی خاتون آباد:

شهرستان شهر بابک با 13 هزار و 750 کیلومتر مربع و بیش از 100 هزار نفر جمعیت، پنج هزار هکتار زمین زراعی و 22 هزار هکتار زمین باغی دارد.

حضور عشایر منطقه و دهها روستا در دشت خاتون آباد این منطقه را به یکی از بیابانهای زیبای کرمان تبدیل کرده بود امروز اما این دشت آنچنان آلوده شده است که گفته میشود اگر از همین الان دیگر بر آلودگیهای آن افزوده نشود تا 10 سال دیگر هیچ گیاهی قادر به سبز شدن در خاتون آباد نیست.

داستان خاتون آباد از سال ۷۴ آغاز شد در این زمان بود که در کنار معادن مس شهر بابک کارخانه ای تحت عنوان نوب مس خاتون آباد ساخته شد اما فناوری ساخت این کارخانه چینی و فاقد استانداردهای محیط زیست برای جلوگیری از آلودگی در این کارخانه شد و در نهایت مواد آلوده ای که از کارخانه خارج میشود در دو قسمت خروج از دودکشهای کارخانه که شامل فلزهای سنگین می شود و همچنین پساب، وارد طبیعت شده و در نهایت آبهای زیرزمینی دشت به شدت آلوده می شود و از سوی دیگر ذرات ریز ناشی از فلزات سنگین نیز در دشت پراکنده شده و هم اکنون شدت آلودگی به حدی است که هیچ گیاهی در این منطقه توان رشد ندارد.

با استناد به آزمایشاتی که تا کنون در مورد اهالی خاتون آباد انجام داده اند میزان آلودگی این منطقه را 28 برابر استاندارد جهانی می دانند و مقدار ذرات خروجی را نیز 30 برابر حد استاندارد اعلام می کنند. شیوع بیماری های تنفسی بین جمعیت این منطقه و بروز اختلالات ژنتیکی در نوزادان تازه متولد شده از جمله مشکلات

ناشی از این آلودگی است. با توجه به فرآورده های دامی این منطقه که قبل از صنعتی شدن این منطقه اقتصاد شهرستان شهر بابک بر پایه آن می چرخید امروز به دلیل وجود ذرات مس قابل استفاده و مصرف نمی باشد. طبق تحقیقات بعمل آمده محصولات دامی منطقه خاتون آباد مانند شیر، گوشت و سایر فرآورده ها، آلوده اند. تحقیقات به عمل آمده در منطقه خاتون آباد بر روی نوزادانی که نقض عضو دارند نشان از این دارد که، نوزادان متولد شده در سالهای اخیر فاقد چشم، دست و یا عضوی دیگر هستند و همچنین حدود 60 درصد از مردم منطقه و کارگران مشکلات ریوی دارند.

نماینده دامداران منطقه خاتون آباد گفت: اگر با همین روند پیش برود تا دو سال آینده، کسی نمی تواند در منطقه خاتون آباد زندگی کند. طبق اعلام کارشناسان، پنج هزار هکتار از اراضی کشاورزی منطقه خاتون آباد در معرض نابودی است و برداشت بی رویه شرکت مس از ذخایر آبهای زیر زمینی منطقه خاتون آباد، موجب کم آب یا خشک شدن 30 رشته قنات این منطقه شده است

کارخانه ذوب مس خاتون آباد با زیربنایی بیش از 60 هزار متر مربع در غرب استان کرمان و در فاصله 180 کیلومتری از این شهر و 30 کیلومتری از شهرستان شهر بابک واقع شده است. شرکت ملی صنایع مس ایران تنها شرکتی است که از معادن بزرگ مس بهره برداری می کند، معادن مس سرچشمه، میدوک و خاتون آباد کرمان و سونگون در آذربایجان شرقی همگی در اختیار این شرکت هستند شرکت ملی مس با بهره برداری از این سه معدن و برخورداری از سه مجتمع تغلیظ مس، دو واحد ذوب مس خاتون آباد و سرچشمه و یک پالایشگاه در سرچشمه به عنوان یک شرکت بزرگ در سطح بین المللی مطرح است.

### شرایط کاری کارگران معدن خاتون آباد و سایر معادن زغال سنگ

کار در معادن در اعماق زمین یکی از سختترین مشاغل دنیا محسوب میشود. کارگرانی که برای امرار معاش خود ناچارند به این کار بپردازند، خطرهای بیشماری را به جان میخرند و برای استخراج زغال از دل سیاه زمین تا اعماق هزار متری پیش میروند. هر چند معادن زغال سنگ در استان کرمان خصوصا شهرستان زرنند، به نوعی محور اصلی زندگی مردم محسوب میشوند اما مسایل متعدد این معادن همواره کارگران را با مشکلات گوناگون مواجه کرده است. نبود امنیت شغلی و جانی، عدم پرداخت به موقع حقوق و مزایا، قراردادهای موقت و استئمار شدید از مواردی است که کارگران دائما با آن مواجه هستند.

### کارگران معدن امنیت شغلی و جانی ندارند!

قراردادهای موقت، عدم تغییر وضعیت معیشتی پس از سال ها کار و اخراج در صورت اعتراض و یا موارد دیگر، سطح پایین حقوق و عدم پرداخت به موقع، پرداخت نامنظم حق بیمه، 8 تا 9 ساعت کار بجای 6 ساعت کاری، عدم احتساب ضریب سختی کار، عدم پرداخت حق مسکن، عائله مندی و بیماری زایی، عدم توزیع چکمه، لباس کار، شیر و.... از جمله مشکلاتی است که کارگران معدن زغال سنگ در استان کرمان خصوصا شهرستان زرنند با آن مواجه هستند.

### عدم احتساب ضریب برای کارگران معدن

کارگری که حدود 10 تا 15 سال در معدن و در شرایط سخت کار کرده است هیچ امنیت شغلی ندارد و با کوچکترین موردی اخراج میشود. کارگران استخدام نیستند و هر سال یک قرارداد با آنها منعقد میشود و در حالی که قرار بود بعد از 5 سال قرارداد سالانه آنها تبدیل به پیمانی بشود اما این اتفاق نیفتاده است.

یکی دیگر از مشکلات کارگران معدن عدم احتساب ضریب است. کارگری که در شرایط سخت کار میکند باید بعد از 10 سال بازنشسته شود اما در حال حاضر هستند کارگرانی که 20 سال در معدن کار میکنند و هنوز بازنشسته نشده اند. کارگران معدن در شرایط سخت کاری و با سابقه کار طولانی مشغول به کار میباشند. کارگران معدن به علت

ناراحتیهای قلب و ریوی عملا توان کار بیش از 10 سال را ندارند اما مجبورند برای امرار معاش زندگی شرایط سخت را تحمل کنند و به کارشان ادامه بدهند.

کارگران معادن باید 6 ساعت کار کنند اما بین 8 تا 9 ساعت کار میکنند و هیچ اضافه کاری هم دریافت نمیکند، آنها مجبورند این شرایط را تحمل کنند زیرا در غیر این صورت اخراج میشوند.

از مشکلاتی که کارگران معدن با آن روبرو هستند عبارتند از: زمانیکه بیمار میشوند به آنها دستمزد پرداخت نمیشود. البته در حال عادی کارگران هیچکدام سالم نیستند و از بیماریهای تنفسی و ریوی، قلبی و درد در ناحیه دست و پا رنج میبرند. بیمه کارگران نیز بطور مرتب پرداخت نمیشود که این وقفه در پرداخت بیمه کارگران سبب مشکل در زمان بازنشستگی برای آنها میشود. کارگرانی که بعد از سالها از قسمت استخراج خارج میشوند و به سایر قسمتها منتقل میگردند کلیه مزایای آنها قطع میشود و مانند کارگر تازه استخدامی به آنها حقوق و مزایا تعلق میگیرد. یکی دیگر از معضلات کارگران معدن عدم توزیع شیر برای تامین سلامتی آنها میباشد. وقتی کارگری در معدن دچار حادثه میشود و صدمه میبیند کسی مسئولیت آن را قبول نمیکند و میگویند باید احتیاط میکرد و اگر توان انجام کار را نداشته باشد به راحتی اخراج میشود. روبرو شدن کارگران با حقوق معوقه یکی از مشکلات اساسی است که کارگران دائما با آن مواجه هستند. در ضمن کارگران معدن از امنیت شغلی برخوردار نیستند. کارگران معدن هیچ امنیت شغلی ندارند و در حالی که باید برای آنها ضریب کاری حساب شود تا پس از 10 سال بتوانند بازنشسته شوند متاسفانه این ضریب حساب نمیشود و کارگران با سابقه کار 17 تا 20 سال مشغول کار در شرایط سخت معدن میباشند. تا جائیکه نه تنها خبری از بازنشستگی نیست بلکه هر روز هم میگویند نوب آهن ورشکست شده و شاید کارگران فقط تا عید مشغول به کار باشند. از دیگر معضلاتی که کارگران با آن روبرووند به علت شرایط بد اقتصادی و اخذ وام تعداد زیادی از کارگران از بانکها وام و تسهیلات دریافت کرده اند اما به دلیل تاخیر در حقوق و عدم پرداخت آن هر ماه باید 40 تا 50 هزار تومان تحت عنوان دیرکرد بپردازند. حقوقی که کارگران دریافت میکنند کفاف خرج و مخارج زندگی چند روزه کارگران را فقط میدهد. و تا پایان ماه را باید با قرض گرفتن از دوست و آشنا بسر کنند.

کارگران معدن زمانی که شروع بکار می نمایند سالم هستند اما بعد از چند سال به علت فشار و شرایط سخت کاری ریه ها و قلب و دست و پای آنها آسیب می بینند. زمانیکه به شرایط دشوار کاری خود اعتراض می نمایند میگویند اگر نمیتوانید کار کنید، بروید.

با تمام این دشواریهای کاری که کارگران معدن باید متحمل شوند، برخی از نیازهایشان را از جمله: تهیه چکمه و لباسکار را از جیب خودشان باید بپردازند و حتی این وسایل را نیز از کارگران دریغ میکنند. همچنین به کارگران معدن حق مسکن، عائله مندی و بیماری زایی را پرداخت نمی کنند.

### اعتصاب کارگران معادن در ماه ژانویه:

**1 ژانویه-** کامیون داران صنعت ذغال سنگ استان کرمان با داشتن 7000 کارگر به دلیل پرداخت نشدن مطالباتشان و نداشتن هزینه سوخت اعتصاب کرده و بارگیری انجام ندادند.

**3 ژانویه-** برای اولین بار در تاریخ "کوهبنان" کارگران چند معدن شهرستان "کوهبنان" در اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق خود دست به اعتصاب زدند. بیش از 2000 کارگر معادن اصلی "چشمه پودنه"، "پابدانای جنوبی" و .. به نشانه اعتراض از رفتن به داخل تونل های حفر ذغال خودداری کردند و خواهان پرداخت معوقات دو ماهه خود شدند.

کارگران معدن "هشونی" هم اعلام کردند اگر تا ظهر روز جاری حقوق ها پرداخت نشود به جمع اعتصاب کنندگان خواهیم پیوست.

**3 ژانویه** - جمعی از کارگران معدن ذغال سنگ شمال شرق "شاهرود"، "ملج آرام" و "قشلاق" در اعتراض نسبت به عدم پرداخت 11 ماه حقوق دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان زدند.

یکی از کارگران معترض: قصد تحصن سه روزه را داریم و اگر به اعتراضات ما پاسخگو نباشند به همراه خانواده هایمان تحصن را ادامه می دهیم.

**4 ژانویه** - کارگران معدن "همکار" شهرستان "راور" هم به دلیل تاخیر در پرداخت مطالبات و عدم پرداخت 50 درصد حقوق ماه گذشته دست به اعتصاب زدند و تمام کارگران این معدن به نشانه اعتراض از رفتن به داخل تونل های حفر ذغال خودداری کردند و خواهان پرداخت حقوق خود شدند.

یک سالی است "شرکت معادن ذغال سنگ کرمان" از "شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران" جدا شده و به "صندوق بازنشستگان صنعت فولاد" واگذار شده است؛ ارگانی که خود ورشکسته هست و مشکل مالی دارد چگونه می تواند شرکت معادن زغال سنگ کرمان را حمایت کند؟

**4 ژانویه** - حدود 500 کارگر معدن ذغال سنگ "البرز شرقی" (واقع در منطقه "طزره" استان "سمنان") برای دومین روز در اعتراض به عدم پرداخت دوماه و نیم حقوقشان مقابل ساختمان ستاد مرکزی این معدن و همزمان فرمانداری "دامغان" تجمع کردند.

**5 ژانویه** - کارگران معدن "هشونی" با دو روز تاخیر به صف کارگران اعتصابی معادن زغال سنگ "کوهبنان" پیوستند.

کارگران معدن اصلی، "پابدانای جنوبی" و "چشمه پودنه" که در ابتدای هفته اعتصاب کرده بودند با قرار پرداخت 50 درصد از حقوق ماه اخیر خود بعد از ساعت ها اعتصاب به کار برگشتند.

**5 ژانویه** - به دنبال اعتصاب روزهای شنبه و یکشنبه کارگران معدن ذغال سنگ "ملج آرام"، روز گذشته بخش ناچیزی از معوقات مزدی این کارگران بصورت علی الحساب پرداخت شد. در حال حاضر پیمانکار معدن در مقام کارفرما معادل 135 بیورو از معوقات مزدی هر کارگر را پرداخت کرده است و قرار است با پرداخت مبالغی دیگر تا آخر هفته بابت یک ماه مزد معوقه با آنها تسویه حساب کند. در حالیکه کارگران دستمزد 10 ماه را طلبکارند!

**6 ژانویه** - کارگران معدن زغال سنگ "البرز شرقی" که به دلیل پرداخت نشدن دو و نیم ماه مزد معوقه خود اعتصاب کرده بودند صبح روز گذشته به کار خود بازگشتند. امروز نیز تعدادی از اتوبوسهای کارگران معدن در جاده اصلی منتهی به معدن، به مدت 15 دقیقه به نشانه اعتراض متوقف شدند و بعد به محل کارشان رفتند. اعتصاب دو روزه کارگران این واحد معدنی پس از آن خاتمه یافت که برخی مسئولان استانی به آنها وعده دادند که خواسته های آنها تا 17 ژانویه تأمین خواهد شد.

**6 ژانویه** - 257 کارگر معدن "چشمه پودنه" "کوهبنان" با 5 ماه حقوق معوقه در یک قدمی بیکاری! هر زمانی که معدن با مشکل مواجه شود احتمال اخراج کارگران وجود دارد و به درجه بسیار زیادی میزان امنیت شغلی کارگران در بخش خصوصی معادن زیر صفر است. هر زمانی که اسمی از حقوق و مزایا به میان آمد کار معدن تعلیق شد و چند روزی معدن به حالت تعطیلی در می آید و هر زمانی که کارگران درخواست حق خود را کردند حدود هفت هشت روز کار معدن تعطیل میشود. این معدن از نظر مدیر عامل آن تعطیل قلمداد می شود ولی کارگران دوست ندارند به این راحتی کار خود را از دست بدهند. در ادامه روند مشکلات این معدن قریب به 15 روز است که ماشین انتقال کارگران به معدن، کار انتقال را انجام نداده است اما با این وجود معدن کاران به هر صورت که شده حتی با وسیله نقلیه شخصی و حتی با موتور سیکلت در این سرما خود را به محل معدن می رسانند و با این اقدام می خواهند بگویند که کارگران تعطیلی معدن را نمی خواهند و خواهان ادامه کار در معدن هستند.

## اخراج 200 کارگر معدن زغال سنگ معدن جو طیس با 3 ماه حقوق معوقه!

**17 ژانویه** - منابع کارگری در طیس می‌گویند در این واحد تولیدی حدود 1100 کارگر مشغول به کار هستند اما از ابتدای دی ماه سال جاری به دلیل آنچه از سوی کارفرما «کمبود منابع مالی» عنوان شده است، تعداد 200 کارگر این کارخانه با میانگین سوابق کار 10 سال پس از خاتمه قرارداد موقت کارشان اخراج شده‌اند.

این کارگران می‌گویند کارفرما مدعی است این واحد معدنی در زمینه دریافت مطالبات مالی خود از خریداران زغال سنگ دچار مشکل شده است و به همین دلیل برای کاهش هزینه‌های جاری معدن در مرحله نخست 200 نفر از کارگران را اخراج کرده است.

این منابع کارگری از تلاش کارگران اخراجی برای دریافت مقرری بیمه بیکاری و بازگشت به کار خبر داده‌اند. آنان می‌گویند؛ بعد از سال‌ها تلاش در این معدن فرصت شغلی جدیدی برایمان وجود ندارد.

### کارگران معدن امنیت شغلی و جانی ندارند!

قراردادهای موقت، عدم تبدیل وضعیت پس از سال‌ها کار و اخراج در صورت اعتراض و یا موارد دیگر، سطح پایین حقوق و عدم پرداخت به موقع، پرداخت نامنظم حق بیمه، 8 تا 9 ساعت کار بجای 6 ساعت، عدم احتساب ضریب سختی کار، عدم پرداخت حق مسکن، عائله مندی و بیماری زایی، عدم توزیع چکمه، لباس کار، شیر و.... از جمله مشکلاتی است که کارگران معدن زغال سنگ در استان کرمان خصوصا شهرستان زرنند مواجه هستند.

کارگر معدن زغال سنگ با بیان اینکه مسوولین تا کنون کاری برای کارگران معدن انجام نداده اند گفت: بارها مسوولین از شرایط سخت کاری ما بازدید داشته اند و اعتراضات کارگران را در این خصوص شنیده اند اما متأسفانه هیچ کاری انجام نداده اند.

### گزارشی درباره تجمعت دامنه دار، خانوانگی و شبانه روزی اعتراضی کارگران بیکار شده مس خاتون آباد و دستگیری 28 کارگر معترض!

بنا بخبر رسیده روز گذشته 7 (بهمن)، مبنی بر اینکه کارگران قراردادی که در زمان احداث پالایشگاه در این مجموعه فعالیت داشتند روز سه شنبه در مقابل درب ورودی مجتمع مس خاتون آباد اعتصاب کرده اند و راه را بر کارگران و پرسنل این مجموعه بسته اند.

این کارگران معترض شب را نیز در نماز خانه خوابیده بودند که نیروهای تامین شهرستان آنها را بازداشت نموده اند لذا روز چهارشنبه خانواده های آنان در مقابل درب ورودی مجتمع مس تحصن کرده و عملا کوره نوب را تعطیل کرده اند.

به گزارش 8 بهمن کارگران کرمان، مسئول روابط عمومی مس اذعان کرد: این اجتماعات در پی برگزاری آزمون استخدامی از بین کارگرانی است که در زمان احداث پروژه پالایشگاه با پیمانکاران وقت همکاری داشته اند بوده است لذا افرادی که در این آزمون نمرات قبولی را کسب نکرده اند متحصن شده اند اما از جزئیات بیشتری اطلاع ندارم.

شاهی معاون نوب و پالایشگاه مس خاتون آباد نیز در این خصوص گفت: سه هفته است که ما شاهد تجمعات و اعتراضات از سوی افرادی که در آزمون حد نصاب نمرات را کسب نکرده اند هستیم که خانواده های این افراد نیز آنان را همراهی می کنند و عملا اجازه فعالیت را از کارگران و پرسنل گرفته اند و ما را در شرایط سخت کاری قرار داده اند

وی در ادامه به سبب شکل گیری این اعتصابات اشاره کرد و افزود: پروژه احداث پالایشگاه با پیمانکاری که در مجموعه مس وجود داشت آغاز شد، در حین کار پیمانکاران به واسطه پیش برد کارهای خود، کارگرانی را با قرار

دادها و زمان های معین و مشخص دعوت به همکاری کردند، در خاتمه با توجه به اینکه پروژه ها در حال اتمام بودند، قرار داد همکاری هم با کارگران نیز به اتمام رسید.

وی اظهار کرد: آزمون برگزار شد و از کل شرکت کنندگان ۱۵۰ نفر بر اساس نمره آزمون دعوت به همکاری شدند که مراحل اداری آنها نیز انجام شده و مشغول به کار هستند.

شاهی با بیان اینکه بعد از برگزاری آزمون مجموعه مس و شورای تامین شهرستان برای افرادی که در آزمون نمرات قبولی دریافت نکردند تصمیماتی گرفتند، گفت: افرادی که در امتحان شرکت نموده اما نمرات قبولی را کسب نکردند بر اساس نمرات شان در آزمون اولویت بندی شوند و این لیست در اختیار اداره تعاون قرار گیرد و این افراد با معرفی اداره کار در طرح های توسعه ی مس که در منطقه شهر بابک مورد نیاز است، به پیمانکاران معرفی و آنها به تدریج و با مرور زمان به کار گیری شوند.

در همین رابطه: یورش یگان ویژه به تجمع کارگران بیکار شده کارخانه ذوب خاتون آباد و بازداشت 28 کارگر!

ادامه و گسترش تجمع اعتراضی با پیوستن خانواده های کارگران معترض بازداشت شده!

اخبار و گزارشات کارگری: طی چند روز گذشته کارگران بیکار شده کارخانه ذوب خاتون آباد برای بازگشت بکار مقابل کارخانه تجمع می کنند.

روز گذشته 6 بهمن ماه یگان ویژه بدستور مسئولین شهر بابک به تجمع این کارگران یورش آورده و 28 کارگر معترض را بازداشت کردند.

گزارش دریافتی: امروز 7 بهمن، تجمع کارگران با پیوستن خانواده های کارگران بازداشت شده ادامه و گسترش پیدا کرد.

28 کارگر معترض دستگیر شده توسط یگان ویژه کماکان در بازداشت هستند.

بارها مسئولین دولت و سازمان کار و امور اجتماعی از نزدیک از وضعیت بد کاری کارگران با خبر شده و کارگران به اعتراض و شکایت دست زده اند. اما هر بار مسئولین با عوام فریبی و وعده های دروغین داده اند و هیچ وقت به آن عمل ننموده اند. هر روز شرایط زیستی و کاری کارگران بدتر و بدتر شده و کارگران چاره ای ندارند جز اینکه به نیروی خود با دست زدن به اعتصاب و اعتراض برای تغییر دادن شرایطشان تکیه نمایند. همانطور که شاهد هستیم موج اعتصابات و اعتراضات کارگری در یکی دو سال اخیر بی سابقه بوده اما از آنجائیکه کارگران متشکل نیستند و این سلسله از اعتصابات بهم متصل نیستند تا کنون نتوانسته اند حتی حداقلی از مطالبات و خواسته هایشان را به دولت تحمیل نمایند.



## در پشتیبانی از منیژه صادقی و دیگر فعالین جنبش کارگری

" از گریه نوزادم برای ادیت و آزار من و شکنجه پدر بیمارم که در سلول بغلی بود، استفاده می‌کردند تا تسلیم شویم، ولی هیچگاه مزدوران موفق به زانودر آوردن ما نشدند" (گوشه‌ای از نامه منیژه صادقی). منیژه صادقی، فعال کارگری، فعال حقوق کودکان خیابانی کار، فعال جنبش زنان و عضو " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری " بارها دستگیر و زندانی شد، ولی هیچگاه دست از مبارزه علیه رژیم اسلامی سرما یه داری برنداشت و همچنان به دفاع از منافع محرومان جامعه ادامه داد. منیژه یکی از سازمندهندگان مراسم خاکسپاری فعال کارگری، زنده یاد کورش بخشنده بود. مأموران حکومتی دگر بار در صدد تعقیب منیژه برآمدند. کوتاه مدتی پیش، منیژه به همراه همسر خود سعید احمدی که اونیز از فعالین کارگری و زندانی سیاسی بوده است و فرزندانش از ایران خارج شدند و هم اکنون در ترکیه بسر می‌برند. آنان در ترکیه در شرایطی سخت گذران زندگی میکنند. ضروریست برای انتقال این خانواده به کشوری ثالث، از هیچ کوششی دریغ نشود. امضای فراخوان های تقاضای رسیدگی سریع به پرونده ی این خانواده از سوی دفتر کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل در ترکیه و پاسخ فوری مبنی بر انتقال به کشوری ثالث، از جمله فراخوان کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ ، یکی از سویه های پشتیبانی از منیژه و خانواده اش میباشد. علاوه بر این، کمک مالی فوری سویه ای دیگر از پشتیبانی است. دولت ارتجاعی ترکیه، دولتی ضد کارگری است و از اعمال فشارهای گوناگون بر فعالین کارگری و سیاسی ترکیه و خارجی، بخصوص ایرانیان ابا ندارد. بخصوص در ارتباط با روابط حسنه بین سرمداران دزد پیشه ایران و ترکیه میتواند این فشارها، مضاعف گردد. از اینرو، پشتیبانی هر چه گسترده تر از پناهجویان ایرانی در ترکیه و از جمله خانواده ی منیژه، اهمیت خاص دارد.

رژیم اسلامی سرمایه در ایران بنا بر ماهیت استبداد مذهبی و ضد کارگری و همچنین به سکوت و ادائتن جنبش کارگری برای خوش خدمتی به سرمایه داران خارجی و بخصوص با توجه به نزدیکی انتخابات دولتی در اسفند ماه، تلاش دارد هر صدای حق طلبانه و آزادی خواهی را در گلو خفه کند. اعتراضات کارگری با گلوله پاسخ داده میشود. اگر در زمان خاتمی، دولت رفاه، برای رفاه سرمایه داران، کارگران خاتون آباد گلوله باران شد ند، در زمان روحانی، دولت تدبیر و توسعه، تدبیر در افزایش آرامش سرمایه داران و توسعه ی سرکوب و دستگیری فعالین کارگری و معلمان و دگراندیشان و تیراندازی به کارگران بهبهان و قتل کارگران معترض پیشه شده است. ابراهیم مددی و داود رضوی، از اعضای هیأت مدیره شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، علی نجاتی، محمود صالحی، نرگس محمدی و واله زمانی به بازپرسی و دادگاه انقلاب احضار شده اند. جعفر عظیم زاده عضو هیأت مدیره اتحادیه

آزاد کارگران و معلمان محمود بهشتی لنگرودی، رسول بدافی، اسماعیل عبدی، علی اکبر باغانی و... زندانی گردیده اند. اخیراً فرزند مرادی نیا و حسن رسول نژاد از اعضای

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری به سه سال و به شش ماه زندان محکوم شده‌اند. فرامرز مرادی، سخت بیمار است و مسئولان زندان در انتقال وی به بیمارستان و مداوای فوری کارشکنی کرده اند. علی فاضل پور از دوستان زنده یاد شاهرخ زمانی به هشت ماه زندان محکوم شده است. ذکر اسامی فعالان کارگری و اجتماعی درون زندان، صفحاتی چند خواهد شد.

با وجود تمام تلاشهای سرکوبگرانه رژیم اسلامی، کارگران و سایر عدالت خواهان جامعه، نه تنها دست از مبارزه برنداشته بلکه شاهد گسترش اعتراضات بویژه از سوی کارگران در هر گوشه و کنار کشور هستیم. اعتراضات کارگری تنها محدود به کارگران پتروشیمی ها و معدن نیست بلکه اغلب کارخانجات و شرکت ها رانیز در سرتاسر کشور در بر میگیرد. و این نشان از آن دارد که ترفندهای حکومتی برای برقراری فضای سیاسی بسان فضای گورستان کارائی ندارد.

هم اکنون پاسخ کارگران به تشدید سرکوب، تشدید و گسترش اعتراضات است. کارگری که ماهها و در مواردی بیش از یکسال دستمزد دریافت نکرده است، چاره‌ای جز اعتراض ندارد. این مبارزات زمانی که در ارتباط با یکدیگر و در زیر رهبری تشکیلات مستقل کارگری درآیند، نوید بخش نزدیکی روزمرگ جمهوری اسلامی خواهند بود. روزی که هرگاه رهبری سیاسی کارگران متحد و انقلابی، هدایت جنبش را بر عهده گیرد، میتواند نه تنها روز نزدیکی مرگ جمهوری اسلامی بلکه زمان تحقق نهائی آن باشد. بکوشیم یاری رسان کارگران برای تحقق خواسته‌های نزدیک و دور آنها باشیم.

همواره در روند مبارزه انقلابی چنین بوده است، که تعدادی از فعالین کارگری از جمله رفیق منیژه صادقی، که پی در پی تحت پیگرد قرار میگیرند، علیرغم تمایل باطنی خود مجبور به خروج از کشور میشوند. وظیفه‌ی انقلابی حکم میکند که از یاری رسانی به آن تعدادی از فعالین کارگری و آزادیخواهان انقلابی که مجبور به ترک ایران می‌شوند، غافل نباشیم، کسانی که سالیان متمادی در خدمت به جنبش کارگری و سایر جنبشهای اعتراضی عدالت خواهانه گام برداشته، زندان و شکنجه را به جان خریده و همچنان برای استقرار آزادی، برابری، عدالت اجتماعی و حاکمیت کار بر سرمایه به مبارزه ادامه میدهند.

ششم ژانویه 2016



# د رسوگ یار زحمتکشان، رفیق تراب حق شناس

خبر کوتاه بود و جانکاه ، رفیق تراب حق شناس از میان مارفت .

فقدان اوبار سنگینی است بسان کوهی از غم، که هر انسان آزاده و برابری طلبی را در اندوه ژرفی فرومی برد. رفیق تراب حق شناس از ایام جوانی دل درگرو آزادی زحمتکشان و لغو استثمار انسان از انسان نهاد و با حرکت از چنین موضعی بود که در عمل انقلابی دریافت، تنها راه رهایی انسان از قید و بند استثمار و استعمار، اندیشه و عمل کمونیستی است. او کمونیسم را چراغ راهنمای مبارزاتی خود قرارداد و تا آخرین لحظه زندگی پربارش، وفای به عهد کرد، عهدی که نه تنها بازحمتکشان ایرانی بلکه با تمامی کارگران و ستمدیدگان در سراسر جهان و بویژه مردم تحت ستم ورنجبران فلسطینی بسته بود.

تراب از سلاله ی حیدر عمو اوغلی ها و آوتیس سلطان زاده ها بود. یادش گرامی و راهش پر دوام باد. درگذشت رفیق تراب حق شناس را به تمامی کارگران و کمونیستهای ایران و جهان و خاصه خلق فلسطین، و همچنین یاران و دوستانش در اندیشه و پیکار تسلیم میگوئیم.

## نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

10 بهمن 1394 برابر با 30 ژانویه 2016

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

<http://nahadha.blogspot.com/>

# پیام همبستگی

از طرف : نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

به : کارگران جنرال موتور در سائو حوسه داس کامپوس برزیل

رفقای عزیز

تبریک جهت موفقیت و پیروزی بزرگ شما

یک بار دیگر، به ما ثابت گردید، زمانی که کارگران متحد شوند، می توانند نمایندگان سیستم سرمایه داری را شکست دهند، همان هایی که سود خود را قبل از انسانیت و حقوق بشر، و رفاه طبقه کارگر می گذارند.

پیروزی شما پیروزی ماست، و مشوق ما کارگران ایرانی می شود که راه شما را با عزمی راسخ در پیش گیریم، و به خود و قدرت اتحاد کارگران باور داشته باشیم.

با همبستگی

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

## از سری جلسات تجارب و مباحث کارگری

# وضعیت زنان کارگر

و

# ضرورت تشکل یابی!

سخنران:

## سحر صبا

یکشنبه 13 دسامبر 2015

شرایط کار و زندگی زنان و مردان کارگر در جمهوری اسلامی ایران روز به روز دشوار تر می شود، اما شرایط کار زنان کارگر به علت ستم مضاعف جنسیتی و طبقاتی بمراتب اسفناک تر و ابعاد تکان دهنده تری دارد. زنان کارگر نسبت به کارگران مرد، کمتر حقوق میگیرند، در انتخاب شغل محدودیت دارند، نرخ بیکاری در میان آنان بیشتر است و از امنیت شغلی کمتری هم برخوردارند.

طبق تحقیقی که اخیراً از وضعیت زنان کارگر در ایران انجام شده، درصد بسیار کمی از این زنان، در کارخانجات بزرگ تولیدی اشتغال دارند. علت اینکه از تعداد کارگران زن در مراکز بزرگ صنعتی کاسته میشود این است که این بخش از زنان کارگر به علت اینکه نیاز به مرخصی زایمان و مهدکودک دارند و کارفرما برای آنها باید مخارج بیشتری را متحمل شود و یا اینکه در مواردی نمیتوانند به نیازهای کارفرما در رابطه با اضافه کاری پاسخگو باشند خیلی راحت اخراج میشوند. بخش دیگر زنان کارگری هستند که در کارگاههای تولیدی کوچک اشتغال دارند و از آنجا که این کارگاههای کوچک تحت پوشش قانون کار نیستند، زنان شاغل در این کارگاهها از حداقل امکانات مرخصی، بازنشستگی و بیمه برخوردار هستند، نسبت به کارگران کارخانجات بزرگ حقوق کمتری دریافت میکنند، جرات اعتراض ندارند و به راحتی و با هر بهانه‌ای اخراج و بیکار می‌شوند. بخش سوم زنان کارگری که در صنعت خانگی اشتغال دارند. این زنان که تعدادشان روز به روز افزایش می‌یابد دستمزدهای بسیار ناچیز می‌گیرند و ساعات نامحدود کار می‌کنند و هیچ قانونی از آنان حمایت نمی‌کند و عملاً برده‌های خانگی کارفرما محسوب می‌شوند. و بعلاوه اینها زنانی هستند که در شرکت‌های پیمانکاری و عمدتاً به کار نظافت خانه‌ها مشغول هستند. این زنان علاوه بر کارخانگی خودشان که جزو وظایفشان محسوب می‌شود بقیه اوقاتشان را باید به کار فرسایشی نظافت خانه‌ها با حداقل حقوق و نبود هیچ‌گونه قانون حمایتی سپری کنند. بنابراین زنان کارگر نه تنها به عنوان زن در جامعه مورد تبعیضات طبقاتی، جنسیتی و اجتماعی

قرار می‌گیرند، بلکه در محیط‌های کار نیز به عنوان زن مورد تبعیض قرار گرفته و در شرایطی به غایت متفاوت با مردان بسر می‌برند.

در مناسبات نظام سرمایه داری زنان کارگر در مقایسه با هم طبقه ایهای کارگر مرد خود بیشتر تحت ستم اند. آن‌ها در بازار کار ارزان‌ترین بخش نیروی کار را رقم می‌زنند، در بحران‌ها اولین قربانیانی هستند که مشمول طرح‌های بیکار سازی میشوند، بنابراین بخش اعظم ارتش ذخیره کار را بدون آنکه خود بخواهند شامل میشوند، بیشتر کارهای خدماتی، کارهای غیر تخصصی، پاره وقت و قراردادهای موقت نصیب آنان می‌شود... و در اتحادیه‌ها و سندیکاهای مرد محور مطالبات آنان نادیده گرفته شده و یا کم بها داده میشود و میزان مشارکت آنها در مقایسه با مردان کارگر درصد ناچیزی را رقم می‌زنند. موجودیت زنان در کل به عنوان یک انسان در حکومت ارتجاعی و مذهبی جمهوری اسلامی زیر پا گرفته شده و با وجود اینکه نصفی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند اما از هر نوع حقوق اجتماعی-اقتصادی و سیاسی محرومند. زنان کارگر به علت جایگاه طبقاتیشان جزء اولین قربانیان بحران‌های سرمایه داری ناشی از اجرای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی هستند. آنها به علت عدم امنیت شغلی در بسیاری از موارد مجبورند که به خواسته‌های غیرانسانی کارفرما مثل دستمزد پائین تر، قراردادهای موقت کار یا قراردادهای سفید، مجرد بودن و نداشتن فرزند و... تن دهند.

وضعیت فاجعه بار اقتصادی ای که در ایران موجود است، فقر و گرانی افسارگسیخته، زندگی و هستی میلیون‌ها نفر از کارگران و زحمتکش‌ها را در معرض نابودی و خطر جدی قرار داده است. اما در این میان وضعیت زنان کارگر که اغلب نیز سرپرست خانواده هستند در شرایط بحرانی موجود، به علت مشکلات اقتصادی که پیش رو دارند بمراتب از هم طبقه ایهای مرد کارگشان نیز بیشتر و اسفبارتر است. در اثر این بحرانها بیشترین درصد اخراجیها را شامل میشوند، هر ساله به اجبار شمار زیادی از زنان کارگر شاغل در کارخانه‌های بزرگ به کارگاههای کوچک خارج از شمول قانون کار رانده شده و یا جذب بازارهای غیر رسمی کار و کارهای کاذب میشوند و ناگزیرانند به ساعات طولانی کار و دستمزدی بسیار پائین تر از دستمزد اعلام شده، بدون بیمه و بازنشستگی و سایر مزایای رسمی تن دهند. نرخ بیکاری زنان دو الی سه برابر مردان است و زنان در بسیاری از مراکز کاری همچون کارگاههای تولیدی قالبیافی و کوره پزخانه‌ها گاهی دوسوم یا نصف حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار را دریافت می‌کنند اما به دلیل عدم امنیت شغلی و بیکار شدن از شکایت صرف نظر می‌کنند.

فقر و بیکاری ای که گریبانگیر طبقه کارگر شده است، بیشترین صدمات را به زنان کارگر وارد نموده است. زنان کارگر از نظر سطح حقوق و مزایای شغلی هنوز با مردان فاصله ی زیادی دارند و در بهترین حالت، برغم کار مساوی و نرخ استثمار برابر با مردان، میزان حقوقشان ۶۰٪ حقوق مردان است. علاوه بر اختلاف دستمزد، زنان در محل کار با انواع خشونت‌ها و نابرابریهای اقتصادی، اجتماعی و جنسی و... مواجه هستند.

امروزه با گسترش موج بیکارسازیها درصد بسیار بالایی از زنان، بیکار هستند. آمارهای رسمی میزان اشتغال زنان را حدود ۱۵٪ اعلام کرده اند. بعلاوه، در شرایطی که کارفرمایان، به خاطر امکان پرداخت مزد کمتر، ترجیح می‌دهند در برخی از مشاغل از کارگران زن استفاده کنند، آمار زنان شاغل کارگر همچنان کاهش یافته و زنان ناگزیر به شغل‌های کاذب همچون دست فروشی هستند. و در برخی موارد به علت عدم حمایت‌های مالی ناچاراً به تکیه گری یا تن فروشی دست می‌زنند و در این رابطه مورد تعرض و خشونت‌های مختلف قرار می‌گیرند.

زنان سرپرست خانواده که از محروم‌ترین اقشار زنان بشمار می‌روند در موقعیتی بسیار نابرابر و تحت فشارهای شدید اقتصادی و اجتماعی در جمهوری اسلامی بسر می‌برند، جمعیتی بالغ بر نزدیک به دو میلیون نفر (بر اساس آمار نه چندان واقعی سازمان بهزیستی) تخمین زده شده اند و مستمری ماهانه‌ای، حداکثر سی هزار تومانی دریافت می‌کنند. زنان سرپرست خانواده با درد و رنج و مشقت فراوان به عنوان دست فروش، کارگر نظافتچی، کارگر کوره پزخانه، کارگر خانگی خانواده‌ها، کارگر تولیدی پوشاک، صنایع دستی، مونتاژ و بخش خدمات کار می‌کنند و زندگی خود را از این راه تامین می‌نمایند؛ بعضاً کودکان خردسال خود را هم، حین کارکردن همراه دارند. اما از این بخش از زنان کارگر به ندرت اسمی تحت عنوان کارگر برده می‌شود.

در خانواده هایی که زنان سرپرست خانواده هستند از آنجائیکه به عنوان والدین در جایگاه دو نفر، پدر و مادر ایفای نقش می کنند به علت این مسئولیت دوجانبه وقت مکفی برای رسیدگی به امورات خود و فرزندانشان را ندارند و علاوه بر آن نگاه حاکم زن ستیزی، آنان و فرزندانشان را در معرض انواع آسیبها و خشونت های اجتماعی قرار میدهد.

طبق آمار امروزه، ۷۶ درصد زنان سرپرست خانواده زیر خط فقر هستند و مشکل اقتصادی بزرگترین مسئله ی این زنان می باشد که هرروزه با آن دست و پنجه نرم می کنند.

زنان کارگر درحالی که از اجرای برنامه هایی مانند خصوصی سازی، و حذف یارانه ها، لطمه های جبران ناپذیری متحمل شده اند و امنیت شغلی شان پایمال شده است، درعین حال در نتیجه سیاست های مبتنی بر تبعیض جنسیتی، از امکان های مساوی و مشابه در جامعه نیز محروم اند. مبارزه زنان کارگر از رفع تبعیضات جنسیتی، و کسب دیگر مطالبات و خواسته های کارگری تنها وظیفه زنان کارگر نیست بلکه امر طبقه کارگر متشکل است و مبارزه ایی جدی و هر روزه را می طلبد.

### زنان کارگر و چالش ها

اگرچه مشکلات زنان کارگر کارخانه ها، کارگاه های کوچک و زنانی که به کارهای خدماتی اشتغال دارند با هم متفاوت هستند و یا کار زنان در منازل که به رسمیت شناخته شده نیست تا مبارزه برای مزایایی را به دنبال داشته باشد. اما با تمام این تفاوتها دارای منافع مشترکی هستند که مبارزه مشترکی را می طلبد. مبارزه زنان کارگر با هم طبقه ایهای مرد کارگر خود برای دستمزد برابر با مردان، رفع هر نوع تبعیض جنسیتی و طبقاتی بر زنان کارگر از طرف کارفرمایان و نظام سرمایه داری، متشکل شدن در تشکل های مستقل طبقاتی، برخورداری از امنیت شغلی، ممنوعیت کار سنگین در زمان بارداری، امکان مهدکودک با استانداردهای مکفی بهداشتی و آموزشی برای کودکان و محسوب نمودن ساعات شیردهی جزء ساعات کار، یکسال مرخصی زایمان، کمک هزینه بارداری و مزایای تولد فرزند، بازگشت کارگر زن بعد از پایان مرخصی زایمان به کار سابق خود و پایان دادن به ایجاد محدودیت هایی در شرایط استخدام زنان از طرف کارفرمایان و قوانین ارتجاعی ضد زن جمهوری اسلامی، مجموعه این خواسته ها و مطالبات تنها مختص به مبارزه زنان کارگر نبوده بلکه وظیفه طبقه کارگر متشکلی می باشد که تنها با مبارزه بی وقفه خود می تواند آن را متحقق نماید.

از سوی دیگر بخشی از مردان کارگر به دلیل همان دیدگاه عقب مانده مردسالارانه زنان را رقیب کاری نه همکار خود می دانند یا که آنان را درجه دو و فرودست می پندارند که این نگاه واپس گرای ارتجاعی و سنتی دقیقاً در ادامه همان سیاست های ارتجاعی حکومت جمهوری اسلامی نسبت به زنان می باشد و سعی دارد با شیوه های گوناگون و تحت قوانین مختلف ارتجاعی زنان را دوباره به کنج خانه ها برگرداند. اما آنچه که مسلم است زنان و مردان کارگر، از یک منافع طبقاتی برخوردارند و جزء یک طبقه هستند، لازمه اش این است همدوش هم و متحدانه در مقابله با مشکلات و معضلات موجود به مبارزه بر خیزند. زنان کارگر زمانی می توانند بر این چالشها غلبه نمایند که از حمایت هم طبقه ایهای مرد کارگر خود برخوردار باشند.

از آنجا که نظام جمهوری اسلامی بنا بر ماهیت طبقاتی خود، همچون سایر سیستم های سرمایه داری با مطالبات نهایی کارگران در ستیز بوده و قادر به پاسخگویی آنها نیست، و از طرف دیگر به واسطه ماهیت مذهبی و ارتجاعی خود اساساً نظامی زن ستیز و مبتنی بر تبعیض های جنسیتی است، در مقابله و مبارزه با این رژیم علاوه بر طرح مطالبات کارگران به طور کلی، همواره باید بر مطالبات خاص زنان کارگر، به طور جداگانه نیز تاکید نمود. یکی از این مطالبات اساسی زنان کارگر امر تشکل یابی است.

### تشکل یابی

در سیستم سرمایه داری، زنان کارگر، بخش وسیعی از طبقه کارگر را تشکیل می دهند که عمدتاً در بی تشکلی این طبقه پراکنده و بی تشکل هستند، تحت مناسبات نابرابر سرمایه داری و مردسالارانه، کار رایگان می کنند و در مراکز

کار و تولید به شدت استثمار می‌شوند. مناسبات سرمایه‌داری و روابط استثمارگرانه ایی که در درون جامعه حاکم می‌باشد زنان را در موقعیت فرودستی قرار داده است. زنان نه تنها به مثابه کارگران ارزان، در این نظام، ناچاراند نیروی کار خود را بفروشند بلکه به عنوان کالایی جنسی هم مورد معامله و بهره‌برداری قرار می‌گیرند. زنان در عین حال که به مثابه بخشی از طبقه کارگر مطالباتی دارند به عنوان بخش فرودست و تحت ستم جنسیتی و طبقاتی هم دارای ویژگی‌هایی هستند. در شرایط کنونی که سرمایه‌داری جهانی با بحرانی عمیق دست و پنجه نرم می‌کند بخش بزرگی از بار این بحران را بردوش زنان گذاشته و با به خدمت گرفتن هرچه بیشتر این بخش از جامعه در مشاغل غیر رسمی و حاشیه‌ای، سعی دارد با پایین نگه داشتن دستمزدها از این بحران عبور کند. با افزایش فشار اقتصادی، زنان هرچه بیشتر جذب مشاغل کم درآمد و کارهای کاذب و بخشهای غیر رسمی می‌شوند. طبق آمار بانک جهانی بالای ۶۰ درصد از ۵۵۰ میلیون کارگر بی‌بضاعت جهان را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین سازمان جهانی کار تعداد کارگران خانگی در سراسر جهان را رقمی در حدود ۵۵ میلیون نفر اعلام کرده است که غالب این کارگران را زنان مهاجر تشکیل می‌دهند و با توجه به اینکه اغلب کارگران خانگی بدون هیچ قراردادی مشغول به کار می‌شوند می‌توان حدس زد که آمارهای واقعی بسیار بیشتر از این رقم می‌باشد در شرایط فعلی، با توجه به شرایط فلاکت بار اقتصادی، روز به روز زنان بیشتری با دستمزدهای ناچیز و بدون هیچ قراردادی در رستوران‌ها، منازل، مزارع، مهد کودک‌ها، مطب‌ها، فروشگاه‌ها، آرایشگاه‌ها، کارگاه‌های کوچک و خانگی و مراکزی از این قبیل مشغول به کار می‌شوند. علاوه بر آن به طور رایگان در خانه‌های خود به کار خانگی و بازتولید نیروی کار مشغول هستند. و سرمایه‌داری با استفاده از کار رایگان زنان خانه‌دار قادر است دستمزدها را به حد اقل برساند. زنان کارگر نه تنها در کارخانه‌ها بلکه در اکثر جاها حضور دارند و علاوه بر تشکلهای کارگری ای که شامل زنان و مردان کارگر میشود، این بخش از زنان نیاز به تشکلهای مستقل خود دارند. البته این به آن معنا نیست که تشکلهای زنان کارگر و متشکل شدن آنها نوع ویژه ایی از تشکل باشد، یا در تقابل با تشکلهای مستقل کارگری بوجود می‌آید بلکه مسئله تنها توجه به ویژگی‌ها و نیازهای این بخش از طبقه کارگر است. از آنجا که تشکلهای زنان بر اساس نیازها، امکانات، توانایی‌ها و مطالبات واقعی ایشان صورت گیرد اعتماد بنفس بیشتری کسب کرده و تشویق می‌شوند در مبارزات اجتماعی حضور یابند. همچنین بر مبنای طرح مطالبات و خواست‌های واقعی خود می‌توانند به آگاهی طبقاتی و منافع کل طبقه دست یابند. موجودیت تشکلهای مستقل زنان کارگر در جنبش کارگری کمک خواهد نمود تا زنان کارگر با حضور فعال و تأثیر گذار خود در مبارزه برای مطالبات اقتصادی- اجتماعی همانند طرح و پیگیری مطالباتی در جهت بهبود وضعیت زندگی زنان کارگر، برابری دستمزدهای آنان با مردان، و رفع تبعیض جنسیتی و طبقاتی قدم بردارند.

زنان خانه‌دار هم بخشی از زنان کارگر را شامل میشوند به دلیل موقعیت ویژه‌ای که در آن قرار دارند نیاز به تشکلهای ویژه خود دارند. خواسته‌هایی از قبیل مهد کودک رایگان نه تنها برای زنان شاغل، بلکه برای زنان خانه‌دار هم ضروری است. در جامعه ایی مانند ایران که زنان دائما در معرض خشونت‌های خانگی هستند ایجاد خانه‌های امن برای این زنان از اهمیت ویژه ایی برخوردار است، این دسته از مطالبات می‌توانند زمینه‌ساز ایجاد تشکلهای زنان کارگر باشند.

می‌دانیم که طبقه کارگر برای پایان دادن به این نابرابری چاره‌ای جز متشکل شدن حول خواسته‌های واقعی و به روز خود ندارد. این بخش از طبقه یعنی زنان زحمتکش نیز برای دستیابی به رهایی و برابری، چاره‌ای جز متشکل شدن حول خواسته‌های مشخص خود بطور استراتژیکی ندارند. همانطور که هر بخش از طبقه کارگر با توجه به ویژگی‌های آن بخش، شکل خاصی از تشکل را می‌طلبد ضروری است برای تشکلهای این بخش گسترده و به شدت تحت ستم فعالین زنان کارگر همراه هم طبقه اییهای فعال کارگری مرد خود نیز ابتکار عمل به خرج داده و در برپائی تشکلهایی که پاسخگوی خواسته‌ها و مطالبات زنان کارگر باشد اقدام نمایند. ایجاد تشکلهای مستقل زنان به هیچوجه به معنای جداسازی زنان از جنبش کارگری نبوده بلکه تنها به معنای در نظر گرفتن نیازهای بخشی از طبقه کارگر می‌باشد. این بخش از طبقه به دلیل ستم چندگانه، منافع بزرگی در دگرگونی اساسی و ریشه‌ای سیستم سرمایه‌داری دارد اما این انرژی تنها زمانی آزاد می‌شود که بر محور خواسته‌ها و مطالبات مشخص متشکل گردد. خواسته‌های زنان کارگر، نه تنها لغو قرار دادهای موقت، امنیت شغلی، افزایش دستمزد و پرداخت بیمه بیکاری به زنان خانه‌دار به مثابه کارگرانی که از کار اجتماعی محروم شده‌اند می‌باشد، بلکه همچنین و علاوه بر همه این‌ها خواسته‌هایی نظیر خدمات درمانی و بهداشتی و حمایت‌های ویژه از زنان آسیب دیده، استفاده از مهد کودک‌های رایگان و به طور کلی اجتماعی شدن هرچه بیشتر خدمات رفاهی که امروزه به

صورت کارخانگی بردوش زنان گذاشته شده، جزء اولویتهای خواست زنان کارگر می باشد. اگرچه نظام سرمایه داری ماهیتاً قادر به امر اجتماعی شدن خدمات رفاهی و آموزشی برای همگان نمی باشد اما مطرح کردن این مطالبات و حرکت کردن به سمت چنین خواسته هایی و حتی دستیابی به برخی از این خواسته ها در جامعه سرمایه داری نه تنها امکان پذیر، بلکه ضروری می باشد. امروزه بسیاری از خدمات خانگی در بعضی از کشورهای اروپایی به صورت اجتماعی ارائه می شود و به این ترتیب تا حدود زیادی وقت و نیروی زنان آزاد شده است. درخواست مهدکودک های رایگان و رستوران های عمومی در محلات و یا خواسته ایجاد خانه های امن برای زنان آسیب دیده و بی خانمان نمونه هایی از این دست می باشند. تنها در جریان حرکت جهت دستیابی به خواسته های واقعی و معین هست که زنان کارگر و زحمتمکش می توانند آگاهی طبقاتی پیدا کرده متشکل شوند و به مبارزات خود عمق و وسعت بخشند. اما واقعیت اینست که هر خواسته و مطالبه ای، تنها در صورتی که با مبارزه طبقاتی همراه باشد و در هر قدم علل و ریشه های ستم بر زنان را افشا نماید خواهد توانست گامی اساسی در جهت رهایی زنان بردارد. سرمایه داری، در شرایط کنونی که با بحران های اقتصادی دست و پنجه نرم می کند، زنان کارگر توان این بحرانها را باید با فقر، بیکاری، تن فروشی و استثمار هر چه بیشتر بپردازند. امروزه خواسته زنان نه فقط مختص به خواسته های صنفی، باید حول دستیابی به برابری کامل زن و مرد در همه عرصه های اقتصادی اجتماعی و دستیابی به حقوق انسانی باشد. این خواسته ها تنها در سیستمی که مبتنی بر تولید و توزیع و مشارکت اجتماعی بوده و نفعی در استثمار زنان نداشته باشد می تواند تحقق یابد و تنها، جنبش کارگری با متشکل شدن و مبارزه بر علیه سرمایه داری می تواند چنین افقی را پیش روی زنان قرار دهد. باید این توجه را داد: جنبش کارگری تا به امروز در رابطه با متشکل نمودن زنان کارگر به عنوان یک وظیفه مبرم بطور جدی در عرصه مبارزاتی فاقد هر نوع حرکت و فعالیت اجتماعی بوده است. در چند تشکل نیمه بند کارگری موجود هم شاهد هستیم که بیشترین اعضای آنها را فعالین کارگری مرد تشکیل می دهند و از حضور فعال زنان کارگر در عرصه های مختلف مبارزاتی نام و نشانی نیست. اما در هر شرایطی که مبارزات کارگری تا حدودی در صحنه بوده با وجود نادیده گرفتن نقش جدی زنان کارگر چه بصورت فعال کارگری و چه بصورت عضوی از خانواده های کارگری ما شاهد بوده ایم چگونه فعالانه در میدان مبارزه ظاهر شده اند و خیلی مصمم پا به پای همطبقه ایهای مرد خود برای خواسته ها و مطالبات مطرح شده تا به آخر مبارزه نموده اند. به عنوان مثال می توان به مبارزه زنان فعالین کارگری سندیکای شرکت واحد و سنگ معدن بافق و چادر ملو اشاره نمود، که بدون نقش فعال زنان و خانواده های کارگری امکان تحقق خواسته های این حرکتها کارگری امکان پذیر نبود. البته دهها مورد دیگر از جمله: مراسمهای اول ماه مه، 8 مارسها و گلگشتها و در تجمعات جلو زندانها برای آزادی فعالین کارگری و سیاسی زندانیان زنان کارگر نقش فوق العاده مهم و چشمگیری را ادا نموده اند تا جائیکه در چندین مورد بهای سنگین آنها با زندان و شلاق پرداخته اند. اما متأسفانه جنبش کارگری ایران به دلیل نگاه مرد محوری هیچوقت قادر نبوده از این پتانسیل بالای هم طبقه ایهای زن خود در امر متشکل شدن و همگامی برای کسب مطالبات و خواسته های خود استفاده نماید. متأسفانه امروزه ما تنها شاهد پراکندگی خود طبقه کارگر نیستیم بلکه برسمیت نشناختن حقوق برابر زن کارگر همانند مرد کارگر در سطح جنبش کارگری یکی از معضلات و گرگهای اصلی جنبش کارگری است اگر جنبش کارگری نتواند بر این ضعف اساسی فائق یابد در واقع آب به آسیاب بورژوازی ریخته و جنبش قادر نخواهد بود بدون همراه نمودن این بخش مهم و وسیع از طبقه کارگر قدمهای موثری رو به جلو بردارد. همچنان که شرط اول برای ایجاد پویایی و تحرک در جنبش کارگری، داشتن تشکلهای مستقل است زنان کارگر نیز برای دستیابی به خواسته های خود نیاز به تشکل دارند. برای ایجاد تشکل های زنان نیز نظیر سایر تشکل های کارگری ضروری است از شرایط عینی و زندگی واقعی زنان شروع کرد. محافل دوستانه، گردش های دسته جمعی، جمع های ورزشی، صندوق های خانوادگی، صندوق هایی در محل کار، محافل خانواده های کارگری، ایجاد محافل کمک به زنان و کودکان آسیب دیده و نیازمند به کمک های مالی، آموزشی، یا حقوقی دارند، برگزاری تجمعات آموزشی در مورد مسائل و مشکلات مشخص زنان، همه و همه می توانند زمینه ساز ایجاد تشکل های زنان زحمتمکش باشد. وجود تشکل مستقل اگرچه در شرایط فعلی یکی از محوری ترین خواسته های جنبش کارگری است و دستیابی به هر مطالبه و خواسته به میزان متشکل شدن کارگران گره خورده است، ایجاد تشکلهای مستقل زنان نه تنها ضروری است بلکه در تقویت و همسویی برای دستیابی به کل خواسته های کارگران اعم از زن و مرد نه تنها ضروری بلکه جزء اولویتهای جنبش کارگری است. بنا بر این وظیفه آن دسته از سوسیالیستها و فعالین کارگری و فعالین زن سوسیالیست است که با چشم اندازی طبقاتی به مسائل زنان کارگر و نیازهای موجودشان توجه نموده آستین ها را بالا زده و با ذکر ضرورتها و اولویتها، با استفاده از حداقل امکانات موجود، در جهت ایجاد تشکل های زنان کارگر و زحمتمکش،

اقدام نمایند. این مهم وظیفه ای طبقاتی و استراتژیکی خواهد بود که دستاورد مهمی برای جنبش کارگری را در بر خواهد داشت. اشاعه و ترویج و تبلیغ دیدگاه طبقاتی و ایجاد تشکل های زنان کارگر و زحمتکش، مستلزم ارتباط دائم با زنان زحمتکش، شناخت مشکلات و خواسته های واقعی آنان و متشکل شدن حول این خواسته ها می باشد. چنین تشکل هایی، حتی در ظرفیت تشکلهای چند نفره در محلات کارگری تا تشکل بزرگتر می تواند مثر ثمر و واقعی باشند.

به عنوان مثال لازم است به نمونه های مشخصی از زندگی بعضی از زنان کارگر مبارز در طول جنبش کارگری اشاره و مروری شود:

## تاریخچه اتحادیه کارگران چیت سازی ری

### مقدمه

یکی از دستاورد های مهم جنبش سندیکایی و کارگری ایران، حضور فعال زنان و مبارزات پیگیر آنها در جامعه بوده است. از دیگر دستاوردهای جنبش سندیکایی می توان از سازمان دادن زنان کارگر و آموزش دادن آنها در کسب مطالبات و خواسته های طبقاتیشان نام برد و همچنین تلاش مداوم در آشنا نمودن آنها به حق و حقوق شرکت در مسایل سیاسی و صنفی اشان. «در سال 1331 مهری گیلک پور کارگر کارخانه چیت سازی ری نماینده کارگران زن شد. او برای زنان باردار و بچه دار اتاقی را از کارفرما گرفت و به کودکان شیر خوار اختصاص داد که هر 2 ساعت یکبار برای شیر دادن کودکان استفاده شود، و گرفتن سهمیه شیر برای مادران شیرده و قسمت یافت کارخانه.» این خواست مهم طبقاتی برای اولین بار در تاریخ جنبش کارگری و سندیکایی بر بورژوازی تحمیل شد و تا قبل از کودتای سال 1332 برقرار بود، بعدها در دهه چهل این مطالبه مهم در اثر مبارزات کارگران که جزء اولویتهای مطالبه اتیشان محسوب میشد از طرف بورژوازی به رسمیت شناخته شد.

کارگران زن کارخانه نساجی چیت ری هرگز نام مهری گیلک پور را از یاد نبردند. مهری گیلک پور که عضو شورای متحده کارگران ایران بود یک زن کارگر و سازمانده و آگاه به مسائل طبقاتی زنان کارگر بود. او مسئول آزمایشگاه کارخانه چیت ری بود، او زن کارگر مبارزی بود که برای احقاق حقوق خود و هم طبقه ایهایش مبارز می نمود. این دستاورد که برای اولین بار توسط یک نماینده کارگر زن گرفته شد در دهه چهل برای همه ادارات دولتی و ارتش و کارخانه های بزرگ اجباری شد. گیلک پور و شورای متحده کارگران ایران برای چندمین بار ثابت کردند که در مبارزه خود برای بهبود وضعیت کارگران دستاوردهایشان تنها به خودشان تعلق ندارد بلکه دستاورد طبقه کارگر، برای بهبود وضعیت طبقه کارگر خواهد بود.

### نقش زنان در اعتصاب ماه مه 1308 کارگران شرکت نفت

دستمزدهای پائین شرایط دشواری برای زندگی و معیشت کارگران و خانواده هایشان را ایجاد نموده، همسران کارگران در کنار شوهرانشان تمام این دشواری ها را به دوش می کشیدند و هیچ کجا هم تلاشهای بی وقفه آنها به چشم نمی آمد. زمانی که کارگری اعتصاب می کند، اخراج می شود، زندان می رود... و زندگی خود و فرزندانش را در این ماه های بیکاری و بی حقوقی به تنهایی به دوش می کشد. در بسیاری موارد همسرش دوشادوش او در اعتصابات شرکت می کند و حتا پیشاپیش او در تاریخ مکتوب مبارزات کارگری در ایران و شاید جهان کمتر نشانی از این زنان می یابیم. یوسف افتخاری از معدود افرادی است که هر چند مختصر اما اشاره ای به نقش این زنان دارد.

اعتصاب کارگران شرکت نفت در آبادان در سال 1308 یکی از این مبارزات است که زنان نقش تاثیرگذاری در آن داشتند. این اعتصاب قرار بود که در اول ماه مه برگزار شود، اما به دلیل دستگیری چند نفر از جمله یوسف افتخاری زودتر آغاز شد.

او در صفحه 118 خاطراتش شرایط زندگی کارگران شرکت نفت را در سال های 1306 تا 1308 را این گونه تصویر می کند:

"... این کارگران از حداقل زندگی محروم بوده و عده ای به علت نداشتن مسکن زیر سایه درخت خرما زندگی می کردند. بعضی از آنان اتاق هایی از بوریا ساخته و در زمستان و تابستان با چند خانوار دیگر در آن زندگی می کردند.



محله‌ی کارگران (احمدآباد) به علت نداشتن آب و مستراح به قدری کثیف و متعفن بود که اغلب امراض در آنجا شیوع پیدا می‌کرد. شرکت نفت تنها حدود 150 خانه یک اتاقی و دو اتاقی را در اختیار برخی کارگران متخصص و با سابقه گذاشته بود که نسبتاً تمیز و قابل سکونت بود... فاصله‌ی محل سکونت عده‌ای از کارگران تا تصفیه‌خانه‌ی آبادان بیش از دو کیلومتر بود... ظاهراً ساعت کار شرکت نفت روزی 8 ساعت بود ولی از روی حساب دقیق 11 ساعت وقت کارگران در کارخانه و بین راه تلف می‌شد و در گرمای شدید خوزستان روزی 11 ساعت کار کردن بسیار مشکل بود... کارگران نفت جنوب نه فقط غذا و پوشاک و مسکن کافی نداشتند، حتی از داشتن امنیت نیز محروم بودند. هر آن مسترهای انگلیسی اراده می‌کردند می‌توانستند کارگران را از کارخانه اخراج کنند. (1) ... آزار وانیت کارگران و کتک زدن کارگر جزو کارهای عادی انگلیسی‌ها بود به دفعات اتفاق افتاده بود که انگلیسی‌ها کارگری را به ضرب مشت و لگد کشته و متأسفانه مورد تعقیب هم واقع نمی‌شدند.

در سال 1306 حداقل حقوق کارگران ماهی شش تومان و حداکثر 9 تومان بود. حقوق بهترین متخصصان ایرانی از ماهی 45 تومان تجاوز نمی‌کرد. ... علاوه بر آن هر ماه مبلغی از این حقوق ناچیز کارگران به عناوین مختلف (جریمه و تاخیر) و غیره کسر می‌شد. چون حقوق کارگران را در پاکت‌های در بسته تحویل می‌دادند و آنان حق نداشتند جلوی باجه آن را بشمارند. کسانی که به عمل شرکت اعتراض کرده و در صدد احقاق حق می‌آمدند فوراً از طرف شرکت به خدمت آن‌ها خاتمه داده و گاهی برای عبرت سایرین نام او را در لیست سیاه قید می‌کردند که تا آخر عمر حق کار در شرکت نفت را نداشتند. قبل از اعتصاب 1308 عده‌ی این کارگران فقط در آبادان به 500 نفر می‌رسید. در این زمان قیمت یک کیسه آرد در آبادان 5 تومان بود چون کارگران قادر به معامله‌ی نقدی نبودند این آرد را به کیسه‌ای 6 تومان می‌خریدند. در ظرف سال خوراک کارگران سیاه، آنان که تخصص نداشتند، جز نان خالی چیز دیگری نبود.

استفاده‌ی زنان کارگر از تفاله‌ی نفت منظره‌ی اسف‌باری داشت. زنان کارگران پیت‌های نفت را با آن مایع سیاه که معروف به تفاله‌ی نفت بود پر کرده و روی سر گذاشته و برای پختن نان و سیر کردن بچه‌های صغیر و لخت و گرسنه‌ی خود به طرف اتاق‌های بوریایی روانه می‌شدند. پوشاک آنان عبارت از یک پیراهن بلند و پاره پاره بود که قسمت کمی از بدن را مستور می‌کرد. مایع سیاهی که روی سر گذاشته بودند در اثر حرکت به صورت آن‌ها ریخته تمام اعضای بدنشان را آلوده می‌کرد. انگلیسی‌ها با زن‌های شیک پوش خود جلوی زنان ستم‌دیده و صاحبان اصلی ثروت نفت را گرفته و از مناظر رقت‌بار آنان عکس می‌گرفتند. عکس‌هایی که انگلیسی‌ها از زنان و کارگران برمی‌داشتند منظره‌ی رقت‌انگیزی داشت. عکس اسکلتهای نفت آلود و متحرک هر بیننده‌ای را متأثر می‌کرد. ... با این مایع سیاه که به طریق بالا به دست می‌آوردند سوخت ناشناس مجانی تامین می‌شد... شرکت نفت بیمارستانی داشت که وضع آن از حیث دوا و طبیب رضایت بخش بود. اما کارگران تا دم مرگ نمی‌رسیدند در این بیمارستان بستری نمی‌شدند. کارگران می‌گفتند بیمارستان شرکت حتی برای نمونه و ظاهر سازی هم که باشد کارگری را معالجه نکرده و شفا نداده است. در اغلب نقاط خوزستان در فصل تابستان زندگی بدون یخ و آب خنک مشکل و گاهی طاقت فرسا است. شرکت نفت بالاین که در این تاریخ کارخانه‌ی یخ داشت یخی در اختیار کارگران قرار نمی‌داد. حتی آب آشامیدنی شهر هم تصفیه شده نبود. (2)

این کارگران با این شرایط دشوار از مرخصی هم بهره مند نبودند. کارگرانی که در حین کار معلول می‌شدند بدون دریافت دیناری از کار برکنار می‌شدند و مجبور به گدایی بودند.

اولین تلاش‌ها برای متشکل کردن کارگران شرکت نفت در این سال‌ها آغاز شد. افتخاری پس از آنکه شرح کاملی از نحوه‌ی شکل‌گیری این اتحادیه می‌دهد، در صفحه 40 کتاب خود در مورد نقش زنان در این تشکل چنین می‌نویسد: در تصفیه‌خانه‌ها و کارخانه‌های دیگر شرکت نفت، زنان کار نمی‌کردند. بنابراین تشکیل اتحادیه زنان برای ما میسر نبود برای آن که از قدرت عظیم زنان در تشکیلات استفاده شود. به افراد اتحادیه دستور دادیم که منسوبین و محارم خود را با افکار و عقاید و روش اتحادیه و مبارزه‌ی طبقاتی آشنا نموده نتیجه‌ی عمل و تاثیر گفتارشان را به اتحادیه‌ی ایالتی کارگران خوزستان گزارش نمایند. به این ترتیب به مرور به خانواده‌ی کارگر هم نفوذ کردیم و اولین اتحادی که از طریق این فرد به وجود می‌آمد با همسر و دختر او بود. بنابراین ما در یک خانواده‌ی که ما عضو داشتیم، عائله اش هم تقریباً عضو اتحادیه محسوب می‌شدند. منتها مردان حوزه‌های مرتب‌تری داشتند ولی زنان حوزه‌های مرتب‌تری نداشتند. می‌ترسیدیم آن‌ها گیر بیفتند. به همین حوزه‌های خانوادگی اکتفا می‌کردیم. مگر اینکه لازم می‌شد به زنان ماموریت بدهیم.

کارگران در این زمینه با اتحادیه همکاری نمودند. از این آزمایش نتایج خوبی به دست آمد که در موقع اعتصاب موجب حیرت اداره پلیس و مخصوصاً رکن الدین مختاری شد.

او در این مورد چنین می‌نویسد: وقتی که در شهربانی زندانی بودم بعضی شب‌ها که مختاری کاری نداشت مرا صدا می‌کرد و با من صحبت می‌کرد. یک شب گفت تعجب نمی‌کنم که تو بلند شده‌ای و لنگان لنگان کاری پیدا نکرده آمده آبادان با ماهی هشت تومان کار می‌کنی. ولی در ایران که هنوز حجاب است شما چه طور توانستید این تشکیلات را به وجود بیاورید. من از این تعجب می‌کنم که تو چطور می‌توانی میان آن‌ها رفته‌ای و نگفتند نامحرم است.

عائله‌ی کارگران در اثر تبلیغات نان آوران خانه به اتحادیه‌ی کارگران گرویده و اکثر آن‌ها در جلسات حوزه‌های خانوادگی کارگران شرکت کردند. ضمناً همانطور که گفتیم یک کلاس محرمانه‌ی سیاسی داشتیم که همانجا اگر کسانی سواد فارسی کم داشتند فارسی درس می‌دادیم و من خودم یک اطلاعات سیاسی و سندیکایی به آن‌ها می‌دادم. بنابراین یک عده‌ای را به سطح کادر و نیمه کادری رسانده بودیم. و یکی از این کادرها زهرا بود.

زهرا از زن‌های مبارز لرستان بود و موقع اعتصاب اولین کسی که جلوی شرکت نفت برای کارگران نطق کرد و گفت دستور اعتصاب صادر شده، او بود. گویا چیزی که گفته بود زیاد هم موثر واقع شده بود. او گفته بود در صورتی که زن مبارزه می‌کند، مرد نمی‌تواند مبارزه نکند.

«این شیوه‌ی برخورد در تحریک و ترغیب کارگران و زد و خورد با پلیس نقش بزرگی را بازی کرد. زهرا در ضمن نطق بر علیه عملیات ظالمانه‌ی کمپانی نفت و حرکات غیر ملی مامورین دولت، رئیس کل شهربانی خوزستان را تقبیح کرده و در حضور جمعی از پاسبان‌ها و صاحب منصبان شهربانی با صدای رسا ثابت کرد که اولیای شهربانی آلت دست کمپانی نفت شده و به ملت ایران خیانت می‌کنند. رکن الدین مختاری در مقابل حرف حسابی و منطق محکم بانو زهرا مثل این که هیپنوتیزم شده باشد، اصلاً یارای حرف زدن نداشته و سکوت اختیار کرده بود. بانو زهرا با عده‌ای از زنان کارگران را به مبارزه‌ی شدید و گرفتن حق خود ترغیب می‌کرد.»

#### در جای دیگری افتخاری چنین می‌نویسد:

وقتی ما را اسیر کردند و به اهواز آوردند، زهرا هم آمد. البته زندانی نبود. زهرا آمد و رفت پیش مختاری و گفت من می‌خواهم یوسف را ببینم. مختاری گفت یوسف چه کاره‌ی توست؟ گفت برادر من است. مختاری گفت تو لری و او ترک است تو چطور خواهر او شدی؟ گفت ما از آن لرها و ترک‌ها هستیم که با هم خواهر و برادریم. من هم باید حتماً او را ببینم. آمد. پلیس هم وسط ما ایستاد. زهرا گفت برو کنار. چنان حکم کرد که پاسبان اطاعت کرد و دور شد. گفت من با برادرم صحبت می‌کنم. گفت از خارج خواستند پولی به ما بفرستند من قبول نکردم. گفتیم ما طلا داریم می‌فروشیم می‌دهیم تا رفقای ما در زندان مصرف کنند. من بسیار خوشحال شدم و دستش را بوسیدم. گفت خوب کاری کردی. مهم این است که آدم از کسی چیزی نگیرد و مدیون کس نشود. گرسنه می‌مانیم و نیاز و احتیاجی هم نداریم. بنابراین زهرا از لحاظ عقیده و از لحاظ اخلاق به تمام معنی یک زنی بود که می‌شد قهرمان نامید. منتها عیب کار در این است که در ایران اغلب زنها بی‌سواد و کم‌سوادند و تحصیل نمی‌کنند.»

این اعتصاب در ابتدا فقر و پریشانی خانواده‌های محبوسین و تبعیدشدگان را به همراه داشت، فوت دو طفل شیرخوار هنگام تبعید زنان کارگر از آبادان به اهواز در اثر گرما و فشار مامورین و 13 سال حبس برای یوسف افتخاری و آقای رحیم خویی بهایی بود که کارگران برای رسیدن به خواسته‌هایشان پرداخت کردند. در مقابل، در اثر این اعتصاب سرجان کدمن منشی کل کمپانی نفت به لندن مراجعه کرد، حقوق کارگران پانزده الی 50 درصد اضافه شد، کارگران بیکار در آبادان به کار گمارده شدند، عموم کارگران لیست سیاه (خراج شدگان ابدی) به کار گمارده شدند. به کارگران مصدوم و معلول اخراجی مبلغی پرداخت شد و رضایت‌شان جلب شد، ساخت مسکن برای کارگران شروع شد، کتک، بی‌احترامی و اخراج بدون علت و جرایم کارگری ملغی شد و عده‌ای از مهندسین و مامورین انگلیسی که مورد تنفر و انزجار کارگران بودند از کار برکنار شدند.

دسامبر 2015



نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-  
خارج کشور  
Solidarity Committees with the  
Iranian Workers' Movement-  
abroad

## سرود عشق و عدالت

به تمام زنانی که با ستم و نابرابری مبارزه می‌کنند

ماه در پس ابرها پنهان شده

وسوسوی آتش دارد فرو می‌رود

در تاریکی خیابانها و زاغه‌ها

مردان، زنان و کودکان می‌گریند

امروز اگر کار نباشد، دستمزدی هم در کار نیست،

و دستمزد که نباشد، ما از گرسنگی خواهیم مُرد

مادر! دوباره دارم صاحب فرزند می‌شوم

اما گویی رو به مرگ هستم

ای زنان شجاع!

یک قلم، تنها یک قلم سلاح شما می‌تواند باشد

بیائید نام ما را

هزاران بار برای آزادی دیریاب نشانه بگذاریم

نگذاریم ترس و خشم

با دستان سنگین خشونت بر ما حکم برانند

آن دم که سکوت را می‌شکنیم،

ماه نیز در آسمان درخشیدن می‌گیرد

عشق و عدالت پرچم من است

من حقیقت را، هر چه که باشد، زندگی خواهیم کرد

سوگند می‌خورم که تا رسیدن به برابری از پای ننشینیم

عشق و عدالت پرچم من است

هر چه می‌خواهد پیش آید،

من حقیقت را زندگی خواهیم کرد

چه بسیار رودهایی که باید از آن بگذریم

تا سفرمان به انجام برسد

ای کسانی که رنج این زمین فرو مُرده را می کشید!

اندکی فراتر از مقیاسها و اندازه هایتان بنگرید!

زنان از هر گنجی گرانبهاتراند

به ازای هر یک زن قهرمانی که نامش را شنیده اید،

هزاران زن بی نام و نشان هست

که می زید تا با عشق و عدالت،

روزگار بهتری را به ارمغان آورد

عشق و عدالت پرچم من است

\*\*\*\*\*

من حقیقت، را هر چه که باشد، زندگی خواهم کرد

سوگند میخورم که تا رسیدن به برابری از پای ننشینم

عشق و عدالت پرچم من است

هر چه می خواهد پیش آید،

من حقیقت را زندگی خواهم کرد

چه بسیار رودهایی که باید از آن بگذریم

تا سفرمان به انجام برسد

دختران! خواهران! مادران! همسران!

آن دم که بر می خیزید، دیگران هم بایستی برخیزند

آن وقت است که شادی

بر پسران، همسران و برادران باریدن می گیرد

در خانه و در کوچه و بازار، در شهرها و روستاها

بگذاریم خنده هایمان هر چه بیشتر بشکند،

بی گمان این حق طبیعی ماست،

آه، من خواب عجیبی دیدم

که در شبی پر ستاره سراغم آمد

مردان و زنان

دستانشان را در صلح و آشتی در هم گره کرده بودند

تمام قلبهای شکسته ترمیم شده بود

تمام تن های زخمین التیام یافته بود

رودها، کوه ها، صخره ها شادمانی می کردند

زرنگار از ناقوس آزادی زوده شده بود.....

عشق و عدالت پرچم من است

من حقیقت را، هر چه که باشد، زندگی خواهم کرد

سوگند می خورم که تا رسیدن به برابری از پای ننشینم

عشق و عدالت پرچم من است

هر چه می خواهد پیش آید،

من حقیقت را زندگی خواهم کرد

چه بسیار رودهایی که باید از آن بگذریم

تا سفرمان به انجام برسد

عشق و عدالت پرچم من است

من حقیقت را، هر چه که باشد، زندگی خواهم کرد

سوگند می خورم که تا رسیدن به برابری از پای ننشینم

کاوشنا مازلا ترانه سرا و آهنگساز موسیقی فولک، به همراه 400 نفر از فعالان زن در ویکتوریای استرالیا برای اولین بار در سال 2008 این سرود را بصورت دسته جمعی اجراء نموده اند.

<http://www.youtube.com/watch?v=3CmHOeXrGaQ>

## نان و گل های سرخ

هنگامیکه در زیبایی این روز، به راه پیمائی می‌آئیم و به پیش می‌روی  
لا بلای میلیونها آشپزخانه تاریک،  
و هزار انبار و کارخانه خاکستری  
پرتوهای نور خورشیدی غیر منتظره می‌تابد  
و ما برای تمام مردمانی که می‌شنوندمان می‌خوانیم!  
" نان و گل های سرخ، نان و گل های سرخ "  
هنگامیکه به راه پیمایی می‌آئیم، و به پیش می‌رویم،  
برای خاطر مردان نیز می‌جنگیم  
زیرا آنان نیز، فرزندان این زنان هستند  
و ما بار دیگر برایشان مادری می‌کنیم  
قلب‌ها نیز مانند بدن‌ها طعمه گرسنگی را می‌چشند!  
" به ما نان بدهید، اما گل های سرخ نیز بدهید! "  
با ما همراه می‌شوند و از میان آوازهای ما،  
ترانه دیرینه شان را برای نان گریه می‌کنند  
آن خُرده هنر و عشق و زیبایی را که روان‌های رنج کشیده شان می‌شناخت.....  
بله، ما برای نان می‌جنگیم، اما برای گل سرخ‌های نیز می‌جنگیم!  
هنگامیکه به راه پیمایی می‌آئیم، و به پیش می‌رویم،  
آن روز بزرگ را به ارمغان می‌آوریم  
برخاستن زنان به معنی برخاستن نوع بشر است  
دیگر اثری از کار پر مشقت و تن‌پروری نخواهد بود  
این که ده نفر در رنج باشند و یک نفر در آسودگی  
بلکه همه چیز سهیم کردن یکدیگر خواهد بود در شکوه زندگی!  
"نان و گل های سرخ، نان و گل های سرخ!"  
این شعر در سال 1911 توسط جمیز اُپنهام سروده شده و با اعتصاب زنان کارگر منسوجات که در ژانویه 1912 در  
ماساچوست رخ داد، گره خورده است، چنانکه آن اعتصاب را هم اکنون با نام " اعتصاب نان و گل های سرخ " می  
شناسند.

# اطلاعیه مشترک

## اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

### نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

در ماههای نوامبر و دسامبر ۲۰۱۵ دو جلسه مشترک بین نمایندگان اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران (اتحاد بین المللی) و نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران- خارج از کشور (نهاد های همبستگی) برگزار شد. طی این دو جلسه و مکاتبات مربوط به آن بر ضرورت گسترش همبستگی بین المللی طبقاتی با جنبش کارگری ایران و مبارزه علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی تاکید شد و جوانب گوناگون و عرصه های متنوع این فعالیت ها در سطح سراسری و کشوری مورد بررسی و بحث و گفتگو قرار گرفت.

رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز به روی کار آمدنش کمر به سرکوب جنبش کارگری بست؛ همزمان با سرکوب خونین کلیه سازمانها و احزاب چپ و کمونیستی، تمامی تشکل های مستقل کارگری اعم از شوراهای کارگری و سندیکاها سرکوب و هرگونه اعتراض و اعتصاب ممنوع اعلام شد. بسیاری از فعالین و رهبران کارگری را زندانی و شکنجه و اعدام کردند، تشکل های مزدور نظیر خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار، انجمنهای اسلامی و سپس انجمن های صنفی و مجمع عالی نمایندگان کارگران را برای سرکوب و کنترل و به انحراف کشاندن مبارزات کارگری برپا ساختند، که وظیفه همه آنها جاسوسی بر علیه فعالین کارگری در محیطهای کار و همکاری با رژیم و کارفرمایان بوده است. این وضعیت هم چنان برقرار است و جمهوری اسلامی نه تنها هیچ تشکل مستقل کارگری را تحمل نمی کند بلکه هرگونه اعتصاب و اعتراض را با سرکوب، بگیر و ببند و ایجاد رعب و وحشت پاسخ می دهد.

با وجود این همه وحشیگری و سرکوب، اعتصابات و اعتراضات کارگری در سطح نسبتا وسیعی در ایران صورت گرفته و جمهوری اسلامی توان سرکوب کامل آن را نداشته است. اعتصاب دوهزار کارگر معدن کرمان که این روزها جریان دارد، اعتصابات در پتروشیمیها و پالایشگاهها و اعتصابات و تجمع های اعتراضی سراسری معلمان در سال جاری، و پیش تر اعتراضات کارگران شرکت واحد و کارگران نیشکر هفت تپه، تنها نمونه هایی بر جسته از صدها اعتصاب و اعتراضی هستند که هر سال در محیطهای کار صورت می گیرد.

به باور ما مجموعه این شرایط، یعنی سرکوب گسترده ی حقوق پایه ای کارگران توسط رژیم، استثمار شدید و فقر تحمیل شده بر طبقه کارگر و در همان حال مبارزات گسترده بخش های مختلف طبقه کارگر علیه این شرایط، وظیفه مهم و سنگینی را در برابر همه تشکل ها و فعالین کارگری قرار می دهد.

در خارج از کشور، ما در نهادهای همبستگی و اتحاد بین المللی معتقدیم که همکاری های ما در زمینه های مشخص، توان ما را در پیشبرد وظیفه مان یعنی جلب همبستگی بین المللی با جنبش کارگری در ایران و رساندن صدای کارگران ایران به کارگران جهان، دو چندان می کند. از اینرو در نشست بین نمایندگان دو تشکل بطور مشخص توافق شد که با در نظر داشتن تجارب و توان هر دو تشکل و همکاری های پیشین در امر سازماندهی کارزارهای اعتراضی، در سال میلادی جاری بطور مشترک و با آمادگی بیشتر و تدارک بهتر کمپین اعتراضی به شرکت هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی در اجلاس سازمان جهانی کار را سازمان دهیم. به همین گونه افشای ماهیت ضد کارگری تشکل های به اصطلاح کارگری اما وابسته به رژیم، مانند خانه کارگر، کانون عالی شوراهای اسلامی کار، کانون عالی انجمن های صنفی کارگران و مجمع عالی نمایندگان کارگران، بخش دیگری از هدف این کارزار خواهد بود. همچنین در نشست بین نمایندگان دو تشکل پیشنهاد شد تا زمان برگزاری آکسیون مشترک در ژنو، در صورت توافق موارد دیگر همکاری در دستور کار جلسات آتی قرار گیرد.

ما میدانیم که همکاری این دو تشکل به معنای همگامی تمامی تشکلات و افراد مدافع طبقه کارگر در خارج از کشور نیست، اما امیدواریم که هر درجه همکاری بین ما و دیگر سازمانها و نهادهای کارگری در داخل و خارج از کشور به سهم خود بتواند به اتحاد طبقاتی کارگران در ایران، مبارزه کارگران برای کسب حقوق پایه ای خویش و کارزارهای جهانی برای آزادی کارگران زندانی یاری رساند.

**سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی**

**زنده باد سوسیالیسم**

بهمن ۱۳۹۴ - ژانویه ۲۰۱۶

نهاد های همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

**[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)**

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

**[info@workers-iran.org](mailto:info@workers-iran.org)**

مصاحبه با ایوب رحمانی و علی رسولی در رابطه با همکاری در خارج کشور

<https://www.youtube.com/watch?v=UY0g1xHC5Mo&feature=share>



**بولتن انگلیسی نهادهای همبستگی را وسیعاً توزیع کنید!**



## **Message of Solidarity** **Jan. 27. 2016**

*From: The committees in solidarity with the Iranian workers movement - abroad*

*To: GM workers in Brazil São José dos Campos*

*Dear comrades,*

*Congratulations for your great success and victory.*

*Once more, it is proved to us, that when the workers unite, could defeat the representatives of the capitalist system, who put their profits, before humanity & human beings, and welfare of the working class.*

*Your victory is our victory, and it will encourage the Iranian working class to follow your path in your determination, and believe in yourself, and the power of the unity of the workers.*

*In solidarity,*

*The committees in solidarity with the Iranian workers movement - abroad*

***nhkommittehamahangi@gmail.com***

### **GM metallurgical approve PLR of R \$ 5,600 and close strike**

01.26.2016

*Workers at General Motors approved today (26) at a meeting, the proposed agreement for the second tranche of PLR (Profit Sharing and Results) in 2015 and ended the strike started 18th.*

*Metallurgical approved the payment of R \$ 5,600 plus 50% prepayment of the 13th salary and 60 days of job security or salary. The automaker also will pay half the days off.*

*Metallurgical GM went on strike on 18 January after rejecting the proposal of R \$ 4,250 PLR presented by the automaker. With the strike, GM has increased the value to R \$ 5,000, which was also rejected by the workers. The impasse led to discussion of PLR to TRT.*

*"It was a strong strike. Workers began the year giving a clear message to GM. They will not give in to pressures and will fight for rights and employment," said the president of the metalworkers of Sao Jose dos Campos Union, Antonio Ferreira de Barros, Macapa.*

*The proposal approved on Tuesday was set yesterday (25) in audience of conciliation happened at the Regional Labor Court - 15th. Region of Campinas, between union and GM, led by Judge Lorival Ferreira dos Santos, president of TRT.*

*read more on website: <http://cspconlutas.org.br/>*

## مصوبات

### نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

#### خارج کشور

#### الف: " اشتراکت ما "

- 1- نهادهای همبستگی با کارگران ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهاد ها می باشد.
- 2- این نهادها در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.
- 3- تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.
- 4- تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست.
- 5- تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست.
- 6- جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

#### ب: " ارگان ها "

##### یک: مجمع عمومی

- 1- مجمع عمومی عالی ترین ارگان برنامه ریزی و تصمیم گیری نهاد های همبستگی کارگری است. این مجمع عمومی هر 6 ماه یک بار تشکیل می یابد. نشست و یا مجمع عمومی حضوری سالی یکبار برگزار میگردد.
- 2- مجمع عمومی بررسی گزارش های هئیت هماهنگی و واحد ها، پیشنهادات، تغییر یا تکمیل مواد یا مبانی همکاری ها، برنامه ریزی آینده و انتخاب هئیت هماهنگی آینده را بعهده دارد.
- 3- مجمع عمومی با حضور دو سوم نهادها رسمیت می یابد. حضور تمامی اعضا نهادها در مجمع عمومی ضروری و آزاد است.
- 4- به پیشنهاد نصف بعلاوه یک نهادها و شرح ضرورت آن مجمع عمومی فوق العاده فراخوانده میشود.

5- بررسی و پذیرش تقاضای پیوستن نهادهای جدید بر اساس قبول موازین مشترک جمع و حداقل معرفی یک نهاد صورت می‌گیرد. این تقاضا از طریق کمیته هماهنگ کننده برای همه نهادها ارسال می‌شود که در صورت توافق نصف به علاوه یک نهادها در مدت یک ماه، آن نهاد به عضویت در می‌آید.

تبصره - در صورت ارائه سند از جانب نهادی در مورد عدم صلاحیت نهاد متقاضی عضویت، تصمیم‌گیری بر عهده اولین مجمع عمومی می‌باشد.

6 - میهمانان در مجامع عمومی عبارتند از:

الف - رفقائی که هیئت هماهنگ کننده از فعالان کارگری داخل و خارج از کشور دعوت به عمل می‌آورند. شرکت این میهمانان در مجمع عمومی با تأیید دوسوم هیئت هماهنگ کننده صورت می‌گیرد.

ب - رفقائی که در رابطه با مناسبات همبستگی بین‌المللی و ارتباط با گرایش‌های چپ کارگری شهری از طریق رفقائی تدارک دهنده مجامع عمومی دعوت می‌شوند. رفقائی دعوت شده می‌توانند در تمامی طول جلسات حضور نمایند. با بحث و تبادل نظرات و بعنوان مشاور و انتقال تجربه در مباحث شرکت نمایند و رای مشورتی دارند.

7 - همه اعضای حاضر در مجمع عمومی از حق رای مساوی برخوردار هستند.

8 - نهاد محلی به نهادی گفته می‌شود که حد اقل از سه عضو تشکیل شده و در پیوند با محیط استقرار خود (کشور یا شهر) فعالیتی مستمر برای جلب حمایت از جنبش کارگری در ایران داشته باشد.

## دو: هیئت هماهنگ کننده

1- مجمع عمومی برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها و پیگیری مصوبات، برنامه‌ها و رابطه بین نهادها یک هیئت هماهنگ کننده سه نفره انتخاب می‌کند.

2- هیئت هماهنگ کننده هر 14 روز یکبار تشکیل جلسه داده و وظایف را بر حسب مورد بین خود یا اعضای دیگر تقسیم می‌کند. سایر اعضای نهادها نیز می‌توانند بدون حق رای و تنها با حق مشارکت در این نشست‌ها شرکت کرده و در چهارچوب دستور جلسه تعیین شده توسط هیئت هماهنگ کننده و در محدوده زمانی که برای اظهار نظرات آنها معین می‌شود، نظرات مشورتی خود را ابراز کنند.

3- هیئت هماهنگ کننده مجاز نیست به اقدامات یا برنامه‌های خارج از مصوبات مجمع عمومی بپردازد. همچنین حق نقض و یا تغییر تصمیمات مجمع عمومی را ندارد. هر پیشنهاد یا برنامه جدید باید به اطلاع تمامی نهادها رسیده و با توافق نصف به علاوه یک آنها قابل اجرا خواهد بود.

4- هیئت هماهنگ کننده راساً مجری هیچ برنامه‌ای نیست بلکه می‌کوشد با درگیر کردن تمامی رفقا و تقسیم کار مناسب از طریق تشکیل گروه‌های کاری فعالیت‌های عملی را هماهنگ کند.

5- گزارشات مجامع عمومی، مصوبات، اطلاعیه ها و اخبار مربوط به مجموع نهادها تنها از طریق هیئت هماهنگ کننده انتشار بیرونی می یابد و از طریق ایمیل گروهی توزیع درونی می شود.

6- با توجه به نیاز و ضرورت، جلسات عمومی از اعضای نهادها برگزار میشود. در این جلسات که معادل مجمع عمومی نبوده و از اختیارات مجمع عمومی برخوردار نیستند، نهادها گزارش فعالیت های خود را ارائه داده و نیز بحث، تبادل نظر و مشورت پیرامون پیشنهادات و فعالیت های جاری صورت میگیرد. اداره این جلسات عمومی بعهد هیئت هماهنگ کننده بوده و گزارش این جلسات را تهیه و به نهادها ارسال میکند.

7- هر شش ماه یکبار در مجمع عمومی سه نهاد به طور دوره ای و چرخشی برای تشکیل هیئت هماهنگ کننده انتخاب میشوند. هر یک از این نهادها یک نفر را برای شرکت در هیئت هماهنگی معرفی میکنند.

8- هیات هماهنگ کننده می باید بصورت کاملاً پیگیر خواهان ارسال گزارشات شش ماهه نهادها بشود و بعد از بررسی، آن گزارشاتی را که برای انتشار بیرونی مناسب هستند به مجمع عمومی ارائه دهد تا در مورد آنها تصمیم گیری شود.

9- بمنظور انتقال تجربه از هیئت هماهنگ کننده قبلی به هیئت جدید، ضروری است یک نفر از اعضای هیئت پیشین، در جلسات هیئت هماهنگ کننده جدید به مدت یکماه بعنوان مشاور حضور داشته باشد.

10- مسئولیت انتشار بیا نیه و اطلاعیه ها با هیئت هماهنگ کننده بامکانیزم 48 ساعت گردش و نظرخواهی در درون نهادها میباشد.

تبصره یک: اطلاعیه و بیانیه ها بایستی حتی الامکان کوتاه و روشن در چهارچوب مصوبات و سیاست کلی نهادها و بدون وارد شدن به مباحث پلمیک و نظری باشند.

تبصره دو: اطلاعیه ها بصورت پیش نویس به هیئت هماهنگ کننده ارسال و از آنجا به همه نهادها و منفردین برای نظردهی فرستاده می شوند. اگر نهادی مخالفت یا ملاحظه ای در مورد بیا نیه و اطلاعیه داشته باشد، بایستی مورد اصلاحیه اش را مشخص نماید و ارائه دهد. چنانچه نهادی باکلیت بیانیه و اطلاعیه منکور مخالف باشد، می باید اطلاع دهد، تا نام و امضای آن نهاد در پائین بیانیه درج نشود و اگر نهادی در این رابطه جواب نداد، دلیل بر موافقت با بیانیه پیشنهادی است. زمان مورد نظر برای نظردهی درباره بیانیه و اطلاعیه ها 48 ساعت می باشد.

تبصره سه: در صورتی که نهادی با بیا نیه یا اطلاعیه ای توافق نداشته باشد، اسامی سایر نهادها بدون نکر نام نهاد مخالف، در زیر بیانیه و اطلاعیه آورده می شود. در صورت توافق اکثریت نهادها، نکر نام تمامی نهادها ضرورتی ندارد.

## پ- ضوابط همکاری ها

1- هریک از نهادها متشکل از افرادی با گرایشات سیاسی گوناگون می باشند، لذا این مجموعه، جریانی چندگرایشی و مستقل از احزاب و سازمانهای سیاسی است و به هیچ وجه گرایشی مجاز نیست خود را بر این مجموعه تحمیل کرده و یا به نوعی این نهادها را زیر مجموعه خود محسوب نماید.

2- مناسبت بین نهادها بر اساس همکاری جمعی است، سمت و سو و تمرکز اصلی آنها بر شرکت در فعالیتهای و همکاری عملی است. در چنین روندی جهت انسجام و صیقل بخشیدن به مسائل فکری در زمینه های نظری، مباحث سیاسی - اجتماعی بر مبنای اهداف جنبش کارگری را در مسیر همکاریهای خویش قرار خواهیم داد ولی تصمیمات سیاسی - نظری گرفته نمیشود.

3 - نهادها در سطح محلی کاملاً مستقل بوده و میتوانند راساً و یا با شرکت هر نهاد مترقی دیگری فعالیتهائی داشته باشند. همچنین در صورت عدم توافق با یک برنامه جمعی پیشنهادی به هیچ وجه ملزم به تبعیت و اجرای آن نیستند.

4 - تصمیم گیریها بین نهادها بر اساس تفاهم، اعتماد متقابل، احترام، بحث و اقناع می باشد. در مواردی که نیاز به رای گیری باشد، توافق نصف به علاوه یک اعضای شرکت کننده در نشست ضروری است.

5 - نهادها داوطلبانه در فعالیتهای عملی مشترک شرکت میکنند، و در صورت شرکت، متعهد به انجام آن و سپس دادن گزارش کتبی فعالیت های خود به مجمع عمومی می باشند.

6 - هیچ نهادی حق ارائه بیرونی اسناد و گزارشات جلسات درونی نهادها و همچنین سمینارها و جلسات عمومی در سطوح مختلف، بدون توافق کلیه نهادها را ندارد.

7 - نهادها موظف به ارائه گزارش اقدامات شش ماهه خود میباشند. این گزارشات می باید یک ماه پیش از مجمع عمومی حضوری یا پالتاکی به هیئت هماهنگ کننده ارسال شوند تا برای اطلاع در اختیار نهادها گذاشته شود.

8 - نهادهای همبستگی باجنبش کارگری، بنا به تعریف، جمع نهادهاست و ترجیح و تشویق آن بر ایجا د نهادهای متشکل درکشورها و شهرهای مختلف و پرهیز از انفراد و تک یاختگی است. با این حل خود را از توان و تجربه فعالین کارگری در خارج از کشور که به هر دلیل بصورت نهاد محلی عمل نمیکنند بی نیازی نداند و آنان را به همکاری دعوت می کند.

واحد های محلی نهادها ی همبستگی در سطح کشورها برای امکان همکاری و هماهنگی میان نهادها ایجا د شده اند تا یک جمع بزرگتر و فراگیرتر از تک نهادها ایجا د شود، یعنی روش کار نهادها نباید در جهت تائید انفرادگرائی و میدان دادن به آن باشد. همکاری منفرد بین باجمع نهادها بر قبول این اصل بنیادی و بدیهی استوار است که نهادها شالوده این جمع و همکاری را تشکیل میدهند و موازین و شرایط کار و همکاری با منفردین در هیچ موردی نباید اساس موجودیت نهادی را تحت الشعاع قرار دهد.

9 - هر متقاضی عضویت انفرادی را می باید حد اقل یکی از اعضای نهادها معرفی کند.

10- عضو منفرد می بایست بصورت فعال در یکی از فعالیتهای عمومی نهادها از جمله کمیسیونها شرکت داشته باشد. عضومنفرد در صورت غیرفعال بودن در فعالیتهای عمومی نهادها، تنها برخوردار از حق رأی مشورتی است. توصیه می شود بمنظور اهمیت فعالیت دسته جمعی ونهادی و پیشبرد بهترین نوع فعالیتهای آنها، از هر نهاد حداقل یک رفیق در یکی از فعالیتهای عمومی شرکت فعال داشته باشد.

11 - عضومنفرد نمی تواند به عضویت هیئت هماهنگ کننده نهادها انتخاب شود اما میتواند مسئولیت کمیسیون های و گروههای کلری را بر عهده گیرد.

12 - مناسبت در درون نهادها می باید بر شفافیت و صداقت و صراحت استوار باشد. هر نهاد و عضو نهاد و هر عضومنفرد حق دارد در رابطه با مباحث و تدارکات تصمیمات و یا اختلافات موجود، به طرح آزادانه نظرات خود و جلب نظر دیگران بپردازد اما این کار باید با انتشار علنی متن مربوطه در جمع نهادها و دعوت عمومی به امضای موافقین آن باشد.

13 - کسانی که از نهادها اخراج و یا به هر دلیلی جدا می شوند، برای پذیرش دوباره در نهادها پروسه عضویت منفردین مستقل را طی می نمایند.

14 - هر عضو و هر نهادی که در هر نشست امپریالیستی و آلترناتیو سازی بورژوازی که در چهارچوب تأیید نهادها قرار ندارد، شرکت کند، بایستی پاسخگو در برابر نهادها باشد.

چنانچه رفیق یا نهاد شرکت کننده در چنین جلساتی، با آگاهی از ماهیت نشست در آن شرکت کرده و از این عمل خود دفاع نماید، بلا فاصله عضویت فرد یا نهاد مربوطه از طرف هیئت هماهنگ کننده تا مجمع پیش رویه تعلیق در می آید و تصمیم قطعی در مجمع عمومی گرفته خواهد شد.

اولین مجمع عمومی پس از تعلیق، وضعیت قطعی رفیق یا نهاد مربوطه را تعیین خواهد کرد و صورت مسئله بر پایه گزارش هیئت هماهنگ کننده در سطح جنبش انتشار داده می شود.

در صورت برگزاری چنین جلسه ای، فرد یا نهادی که تمایل به شرکت در آن را دارد، چنانچه به صورت نهاد همبستگی شرکت میکند، می بایست به هیئت هماهنگ کننده اطلاع دهند تا آن اجلاس و یا نحوه شرکت در آن، مورد توافق مجمع عمومی نهادها قرار گیرد.

چنانچه در شرایط ایجاد شده کوچکترین ناروشتنی وجود داشته باشد، هیئت هماهنگ کننده موظف است پیش از هر عمل یا تصمیم گیری، فراخوانی جهت برگزاری مجمع عمومی فوق العاده بدهد تا مسئله در آن مجمع، مورد بررسی قرار گیرد.

15 - نهادها حتماً باید در پنج مقطع زمانی معین، واکنش مقتضی را در قالب بیانیه و اطلاعیه و یا در دستور گذاشتن یک کمپین، نشان دهند. اینها عبارتند از: اول ماه مه، سالگرد کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، هشت مارس، کمپین برای آزادی کارگران زندانی.

# برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی  
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.  
رژیم سرمایه داری  
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،  
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.  
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و  
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و  
شروط و وثیقه های سنگینی  
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.  
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر  
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.  
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.  
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.  
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.  
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور  
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به  
هر شکل و با هر توانی که دارند  
کمپینهای سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی  
نموده و شرکت نمایند،  
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان  
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپنهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!  
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران  
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

## همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،  
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،  
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...  
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی  
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی  
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود  
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت  
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران  
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی  
سرمایه داری است.

## آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور





رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

## زندانیهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

**تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.**

## برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هوادارن و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، آکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

## اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور